

## تأثیر شاخص حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی کشورهای با درآمد سرانه متوسط و بالا (رهیافت غیرخطی انتقال ملایم در داده‌های تابلویی)

\*علیرضا برهانی‌پور<sup>۱</sup>، غلامرضا گرائی‌نژاد<sup>۲</sup>، علیرضا دقیقی اصلی<sup>۳</sup>، منیژه هادی‌نژاد<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

۲. استادیار اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

۳. استادیار اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

۴. استادیار اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

(دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۴ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲۵)

## Assessment of the Impact of Good Governance Index on Economic Growth in Upper Middle Income Countries (Panel STR Approach)

\*Alireza Borhanipour<sup>1</sup>, Gholamreza Geraeinejad<sup>2</sup>, Alireza Daghighi Asli<sup>3</sup>, Manijeh Hadinejad<sup>4</sup>

1. Ph.D. Student in Economic Sciences, Tehran Markazi Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Assistant Professor of Economics, Tehran Markazi Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
3. Assistant Professor of Economics, Tehran Markazi Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
4. Assistant Professor of Economics, Tehran Markazi Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

(Received: 12/April/2020 Accepted: 15/July/2020)

Original Article

10.30473/EGDR.2020.52518.5783

مقاله پژوهشی

### چکیده:

هدف اصلی این مطالعه ارزیابی تأثیر غیرخطی حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی کشورهای با درآمد سرانه متوسط و بالا طی سال‌های ۲۰۱۸-۱۹۹۶ می‌باشد. برای این منظور از الگوی رگرسیونی انتقال ملایم تابلویی (PSTR) استفاده شده است. نتایج حاصل از برآورد الگو با رد فرضیه خطی بودن، وجود یک تابع انتقال پیوسته با دو رژیم متفاوت و حد آستانه‌ای ۰/۹۴- و سرعت انتقال ۱/۷۴ را برای شاخص حکمرانی خوب در کشورهای مورد بررسی نشان می‌دهند. علاوه بر این، نتایج مطالعه بیانگر شدت یافتن تأثیر مثبت شاخص‌های حکمرانی خوب، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، درجه باز بودن اقتصاد و مخارج تحصیل در مقادیر بالاتر از حد آستانه‌ای محاسبه شده برای حکمرانی خوب می‌باشند. همچنین ضریب تأثیر‌گذاری متغیر نرخ تورم در هر دو رژیم منفی و معنی‌دار می‌باشد که البته در رژیم دوم از شدت تأثیر‌گذاری آن کاسته شده است. بر اساس نتایج حاصل از این مطالعه می‌توان بیان کرد ارتقای شاخص حکمرانی خوب و ایجاد نهادهای کارآمد در کشورهای با درآمد سرانه متوسط و بالا به بهبود رشد اقتصادی این کشورها منجر می‌شود. علاوه بر این، سه مؤلفه شفافیت و پاسخ‌گویی، اثربخشی دولت و کنترل فساد اداری نیز دارای تأثیر‌گذاری مثبت و معنی‌دار بر رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی می‌باشند.

**واژه‌های کلیدی:** شاخص حکمرانی خوب، رشد اقتصادی، ره‌یافت غیرخطی انتقال ملایم در داده‌های تابلویی، کشورهای با درآمد سرانه متوسط و بالا.

**طبقه‌بندی JEL:** O43، P48، C23.

### Abstract:

The main aim of this paper is to investigate the threshold effects of good governance index on economic growth for upper middle income countries and presence of other variables, including education expenditures, gross capital formation, inflation rate and trade openness over the period 1996-2018. For this purpose, the Panel Smooth Transition Regression (PSTR) model has been utilized for model estimation. The estimation results of model reject the linearity hypothesis, and estimate a continuous transition function with two regimes that gives a threshold at good governance of -0.94 with speed of transition 1.74 for investigated countries. Moreover the study results indicate good governance, trade openness, education expenditures and gross capital formation have a positive impact on economic growth that their impacts are increased in the values above a threshold which is calculated for good governance. The other results indicate that the influencing coefficient of the inflation rate variable is negative and significant in two regimes. Though, its impact is declined in second regime. Hence, improving the quality of governance and efficient institutions promote the economic growth and development in the selected countries. Moreover, the transparency, government effectiveness and control of corruption indices have positive and significant impacts on the real GDP growth in selected countries.

**Keywords:** Good Governance Index, Economic Growth, Panel Smooth Transition Regression (PSTR), Upper Middle Income Countries.

**JEL:** O43, P48, C23.

\* نویسنده مسئول: علیرضا برهانی‌پور (این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول می‌باشد)

\*Corresponding Author: Alireza Borhanipour

E-mail: borhanipour@gmail.com

## ۱- مقدمه

بهبود سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی، توسعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این تأثیرها به حدی است که انگرمن و سوکولوف<sup>۲</sup> (۱۹۹۷ و ۲۰۱۱) مسیرهای متفاوت توسعه کشورهای قاره امریکا طی پانصد سال گذشته را ناشی از شرایط اولیه این کشورها در برخورداری از متغیرهای نهادی می‌دانند.

از اواخر دهه ۱۹۹۰ نیز نهادهای بین‌المللی سیاست‌گذاری اقتصادی همچون بانک جهانی (WB)<sup>۳</sup>، برنامه عمران سازمان ملل متحد (UNDP)<sup>۴</sup> و نیز تا حدودی صندوق بین‌المللی پول (IMF)<sup>۵</sup>، سیاستی بنام حکمرانی خوب<sup>۶</sup> را به عنوان کلید معمای رشد و توسعه مطرح نمودند. حکمرانی به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود. بر اساس تعریف برنامه عمران سازمان ملل حکمرانی خوب عبارت است از مدیریت امور عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضائی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرایند حکومتداری. به عبارت دیگر هر اندازه حاکمیت قانون بیشتر و دستگاه قضائی کارآمدتر و عادلانه‌تر و میزان مشارکت در یک کشور بیشتر باشد، حکمرانی در آن کشور خوبتر است (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۲۷).

حکمرانی خوب مفهوم بسیار گسترده‌ای را در برمی‌گیرد که دلالت بر تعامل مؤثر میان سه رکن: دولت، بازار و نهادهای مدنی است. در نظریه حکمرانی خوب از دولت به عنوان یک نهاد اجتماعی نهادساز یاد می‌شود. به طوری که این توانایی را دارد تا با ایجاد نهادهای حامی بازار، زمینه‌های رشد اقتصادی را فراهم آورد. تبعاً این دولت تکامل یافته به صفات و ویژگی‌های دولت‌های پیشین آراسته است که وی را در انجام وظایف اقتصادی خویش از جمله ارتقای رشد اقتصادی توانمندتر می‌سازد.

با توجه به اهمیت نقش کیفیت نهادی و حکمرانی خوب در رشد و توسعه اقتصادی کشورها، هدف مطالعه حاضر، بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی کشورهای با درآمد سرانه متوسط و بالا<sup>۷</sup> با استفاده از رهیافت الگوهای رگرسیونی انتقال

رشد و توسعه اقتصادی از اهداف مهم کلان اقتصادی کشورها است، زیرا برای افزایش سطح زندگی افراد باید شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بهبود یابد و این مهم جز در سایه رشد و توسعه اقتصادی کشور میسر نیست. در دنیای امروز که شکاف بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه قابل درک است، جنبش عظیمی در بین کشورهای جهان برای از بین بردن این شکاف بوجود آمده است. لذا توجه به مقوله رشد و توسعه اقتصادی به سرعت در حال افزایش است. برای رسیدن به رشد و توسعه عوامل بسیاری را می‌توان مؤثر دانست. برای یک برنامه‌ریزی کامل و منسجم درباره رشد هر کشور لازم است که به تمامی عوامل مذکور توجه شود تا بتوان حرکت در مسیر رشدی بلندمدت و متعادل را تا حدودی تضمین کرد. راهکارهای متفاوتی برای رسیدن به رشد اقتصادی وجود دارد که برای انتخاب یکی از آنها، توانایی‌ها، ضعف‌ها و زمینه‌های مورد نیاز برای هر کدام از آنها، توانایی‌ها، ضعف‌ها و زمینه‌های مورد نیاز و همچنین توانایی‌های اقتصادی هر کشور در اجرای آن سیاست به خوبی بررسی شود تا سیاستی اتخاذ شود که بیشترین هماهنگی را با شرایط جامعه داشته باشد (کریمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۷).

در الگوهای سنتی و متعارف رشد اقتصادی، کشورها و حتی فناوری‌ها، یکسان فرض می‌شد. این الگوها ریشه تفاوت رشد اقتصادی در کشورهای مختلف را به نرخ رشد عوامل تولید نسبت می‌دادند. در مرحله بعد اقتصاددانان تلاش نمودند تا با کنترل الگو نسبت به عوامل دیگر، همچون سرمایه انسانی، درجه توسعه‌یافتگی بخش مالی، کیفیت سیاست‌های اقتصاد کلان در کشورهای مختلف، رشد پسماند توضیح داده نشده را به حداقل برسانند.

در این مسیر حتی تفاوت کارکرد تکنولوژی در کشورها و مناطق مختلف مورد نظر قرار گرفت؛ ولی باز هم پسماند توضیح داده نشده قابل توجه بود. در سومین مرحله، محققان توجه خود را به عوامل غیراقتصادی تأثیرگذار بر رشد متمرکز کردند. توجه به عوامل غیراقتصادی به عنوان منشأ دیگری برای ناهمگنی کشورها، این پرسش را مطرح می‌نمود که چه ارتباطی میان نهادها به طور عام و نهادهای سیاسی و اجتماعی به طور خاص با رشد وجود دارد. عجم اوغلو و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) بیان می‌کنند، نهادها از طریق تأثیر بر بهره‌وری کل عوامل تولید،

2. Engerman & Sokoloff (1997 & 2011)

3. World Bank

4. United Nations Development Program (UNDP)

5. International Monetary Fund

6. Good Governance

۷. کشورهای با درآمد سرانه متوسط و بالا بر اساس تقسیم‌بندی بانک

جهانی شامل ۵۸ کشور بوده که ایران نیز در این گروه قرار دارد. لیست

کشورهای با درآمد سرانه متوسط و بالا در پیوست مقاله ارائه شده است.

1. Acemoglu et al. (2014)

رشد اقتصادی (رشد تولید ناخالص داخلی) به عنوان یکی از شاخص‌های اساسی توسعه اقتصادی در کشورها مطرح بوده و تفاوت‌های زیادی در درجه توسعه‌یافتگی و درآمد و رفاه این کشورها با کشورهای در حال توسعه وجود دارد. در این میان یکی از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی که از دهه ۱۹۹۰ به بعد مورد توجه اقتصاددانان بوده است، ارتباط نهادها و توسعه بوده که برخی از محققین نهادها را عامل اصلی مسیرهای متفاوت رشد و توسعه اقتصادی کشورها قلمداد می‌کنند (ملکی حسونند و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۹).

واژه حکمرانی "بسیار انعطاف پذیر و چند بعدی است". اما اکثر تعاریف حکمرانی مرتبط با "میزانی است که دولت‌ها به شهروندان پاسخگو هستند و یکسری خدمات اساسی از جمله حفاظت از حقوق مالکیت و به طور کلی تر حاکمیت قانون<sup>۲</sup> را برای آنها فراهم کرده و همچنین میزانی است که نهادها به تصمیم‌گیرندگان دولتی انگیزه لازم برای پاسخ‌گویی به شهروندان را ارائه می‌کند".

در تلاش برای درک اثرات اقتصادی حکمرانی، یک رشته از تحقیقات باید بر دلایل تفاوت نهادها در بین کشورها متمرکز شود. به عبارت دیگر، چرا برخی کشورها نهادهایی دارند که در ارائه خدمات به شهروندانشان در مقایسه با سایر کشورها ناکارآمد هستند؟ چرا در برخی کشورها فساد شایع است و در سایرین اینگونه نیست؟ چرا در کشورهای مختلف، در بوروکراسی اداری و یا حفاظت از حقوق مالکیت تفاوت مشاهده می‌کنیم؟ ادبیات اخیر در حوزه اقتصاد توسعه تلاش دارد تا به برخی از این سؤالات پاسخ دهد.

در پاسخ به این سؤال که چرا برخی کشورها نهادهایی دارند که گرایش به کند نمودن رشد اقتصادی دارد، نظریات متفاوتی بیان شده است که تفاوت در جغرافیا، فرهنگ و نهادها به عنوان اصلی‌ترین دلایل تفاوت در عملکرد اقتصادی کشورهای مختلف ذکر شده است. اما از بین این عوامل تفاوت در نهادهای اقتصادی و سیاسی به عنوان مهم‌ترین و کلیدی‌ترین عامل تفاوت در عملکرد اقتصادی جوامع به شمار می‌آید. محققان متعددی ارتباط بین ساختارها و نهادهای سیاسی، نهادهای اقتصادی و عملکرد اقتصادی را بررسی کرده‌اند. نظریه‌های سیاسی خاطر نشان می‌سازد که نهادها به وسیله کسانی که در قدرت هستند شکل می‌گیرند. آقیون و

ملایم تابلویی (PSTR)<sup>۱</sup> طی دوره زمانی ۲۰۱۸-۱۹۹۶ می‌باشد. دلیل انتخاب گروه کشورهای با درآمد سرانه متوسط و بالا وضعیت نسبتاً مناسب رشد تولید ناخالص داخلی است (میانگین رشد تولید طی دوره مورد مطالعه ۵/۰۹ درصد و شاخص میانگین هندسی حکمرانی خوب می‌باشد). بر اساس دیدگاه نهادگرایی جدید، که بیان می‌دارد نوع حکمرانی، مقررات و نهادهای یک کشور از جمله عوامل اولیه و اصلی تعیین‌کننده انگیزه‌ها و تمایلات افراد برای سرمایه‌گذاری فیزیکی و کسب مهارت و فن‌آوری در آن جامعه هستند و همه این عوامل منجر به موفقیت اقتصادی در تولید بیشتر و درآمد بالاتر و رفاه اقتصادی بهتر در بلندمدت می‌شوند، این امر که با تغییر ساختارهای نهادی و سطوح حکمرانی، رفتار متغیرهای کلان اقتصادی مانند رشد اقتصادی نیز تغییر نماید، دور از انتظار نیست. بنابراین محتمل به نظر می‌رسد که رابطه میان کیفیت نهادها و حکمرانی خوب با رشد اقتصادی از یک الگوی غیرخطی تبعیت نماید و این امر مستلزم بررسی دقیق است. لذا در این مطالعه تلاش می‌شود با استفاده از الگوهای تغییر رژیم، روابط غیرخطی محتمل بین حکمرانی خوب و رشد اقتصادی در کشورهای با درآمد سرانه متوسط و بالا آزمون شود تا در صورت وجود روابط غیرخطی، نحوه تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در طول رژیم‌های مختلف و نیز در سطوح مختلف حکمرانی، بررسی شده و نتایج قابل استنادتری نسبت به مطالعات پیشین ارائه گردد. برای این منظور در ادامه ساختار مقاله بدین صورت سازماندهی شده است که در بخش دوم مبانی نظری و پیشینه تحقیق ارائه می‌شود، بخش سوم به تبیین الگوی تحقیق و روش برآورد می‌پردازد. تعریف متغیرها و تخمین الگو در بخش چهارم ارائه شده و در نهایت بخش پنجم و پایانی مقاله نیز به ارائه نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی اختصاص یافته است.

## ۲- ادبیات موضوع

در این بخش ابتدا به بیان مبانی نظری تحقیق پرداخته شده و در قسمت دوم مطالعات انجام شده در خارج و داخل کشور مورد کنکاش و بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲-۱- مبانی نظری تحقیق

۲. قانون تساوی افراد در برابر قانون (The Rule of Law)

1. Panel Smooth Transition Regression (PSTR)

اجتماعی و اقتصادی، می‌توان انتظار داشت آن جامعه از سطح توسعه‌یافتگی بیشتری برخوردار باشد. در ضمن کشورهای توسعه‌یافته‌ی کشورهای هستند که مردم آزادانه در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی شرکت می‌کنند و از سطح سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردارند<sup>۳</sup> (پوتنام<sup>۴</sup>، ۱۹۹۳؛ فری<sup>۵</sup>، ۲۰۰۳؛ پرژورسکی و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۰۸ و تریدیکو<sup>۷</sup>، ۲۰۱۳: ۴۷).

۲- ثبات سیاسی و عدم خشونت: آگاهی از احتمال اینکه دولت برخلاف قانون اساسی و یا ابزارهای خشونت‌آمیز از جمله خشونت‌هایی با انگیزه سیاسی (مثلاً جنگ و یا کودتا) و تروریست، بی‌ثبات و یا سرنگون شود. توسعه اقتصادی فراگیر در بلندمدت نیازمند یک محیط پایدار و امن به منظور شکل‌گیری متناسب و بهینه فعالیت‌های اقتصادی است، به دیگر عبارت، می‌توان بیان داشت ثبات سیاسی از جمله ملزومات بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی و رفع موانع اقتصادی است (گیسلکوئیست<sup>۸</sup>، ۲۰۱۲: ۸). در محیط‌هایی که دارای ثبات سیاسی لازم نیستند و در آنها درگیری‌های نظامی صورت می‌گیرد به دلیل از بین رفتن منابع و بالا رفتن ریسک و هزینه‌های سرمایه‌گذاری، بازدهی سرمایه‌گذاری کاهش یافته و انگیزه فعالین اقتصادی برای اجرای فعالیت اقتصادی در این محیط‌ها کاهش خواهد یافت و همین امر باعث کاهش سرمایه‌گذاری و کندشدن سرعت فرایند توسعه می‌شود (کامپوس و ناچنت<sup>۹</sup>، ۲۰۰۰: ۱۵۷، کامپوس و کاراناسوس<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۷، گورگول و لاج<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۲ و آيسن و ویگا<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۳: ۱۵۱).

۳- اثربخشی دولت: آگاهی از کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات کشوری و درجه آزادی و استقلال این خدمات از فشارهای سیاسی، کیفیت تنظیم، تدوین و اجرای سیاست‌ها و

دورلوف<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) استدلال می‌کنند که گروه‌های با منافع مختلف نهادهای متفاوتی را ترجیح می‌دهند و گروهی که قدرت سیاسی بیشتری دارند، نهایتاً تصمیم می‌گیرد که چه نهادهایی حاکم شوند.

سؤال این است که چگونه این نهادها روی پیامدهای اقتصادی اثر می‌گذارند؟ یک جواب آن است که نهادهای سیاسی و اقتصادی مناسب و کارآمد منافع عموم را حداکثر کرده و حاکمان در این ساختارها مسئول تمامی اقدامات و تصمیمات خود هستند؛ در حالی که نهادهای نامناسب منافع حزبی یا فردی را به بهای منافع عموم جامعه حداکثر کرده و در این حالت حاکمان پاسخ‌گوی جامعه نیستند و تلاش برای کسب منافع بیشتر و رانت‌های گسترده‌تر ممکن است منجر به تخصیص ناکارآمد منابع از منظر رفاه عمومی شود. علاوه بر این منابع به جای فعالیت‌های مولد فدای فعالیت‌های بی‌فایده جست و جوی رانت می‌شوند. حکمرانی خوب سرمایه انسانی و کارایی استفاده از منابع را بهبود بخشیده و از این رو رشد اقتصادی را تحریک می‌کند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۹).

کافمن و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۹)، حکمرانی خوب را نهادها و آداب و رسوم رسمی و غیررسمی تعریف می‌کنند که به وسیله آنها قدرت در جهت مصلحت عمومی در یک کشور اعمال می‌شود و شامل سه مورد زیر است:

الف) فرایندی که از طریق آن صاحبان قدرت، انتخاب، نظارت و تعویض می‌شوند.

ب) ظرفیت و توانایی دولت برای اداره کارآمد منابع و اجرای سیاست‌های درست.

ج) احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آنها را اداره می‌کنند.

بر اساس تعریف بالا، محققان شش ویژگی و مؤلفه را برای حکمرانی بیان می‌کنند که عبارتند از:

۱- شفافیت و پاسخ‌گویی: این مؤلفه آگاهی، درک و میزان توانایی شهروندان کشور به منظور مشارکت در انتخاب دولت، آزادی بیان، آزادی احزاب و انجمن‌ها و همچنین آزادی رسانه را در بر می‌گیرد. در هر جامعه‌ای که افراد آن نقش بیشتری در تصمیم‌گیری‌ها داشته باشند به دلیل پاسخ‌گو بودن مسئولان انتخابی در مقابل مردم و حضور فعال مردم در فعالیت‌های

۳. لازم به ذکر است تنها کشورهایی که دموکراسی دارند از سطح توسعه بالاتری برخوردار نیستند و کشورهایی مانند چین، تایوان و کره جنوبی نیز از سطح توسعه مناسبی برخوردارند درحالی‌که فاقد حکومت دموکراتیک هستند برای مطالعه بیشتر در این زمینه به (Reuschmeyer et al (1992), Acemoglu & Robinson (2008) رجوع کنید.

4. Putnam (1993)  
5. Frey (2003)  
6. Przeworski et al. (2008)  
7. Tridico (2013)  
8. Gisselquist (2012)  
9. Campos & Nugent (2000)  
10. Campos & Karanasos (2007)  
11. Gurgul & Lach (2012)  
12. Aisen & Veiga (2013)

1. Aghion & Durlauf (2005)  
2. Kaufmann et al. (2009)

و خشونت اطمینان، ایستادگی و وفاداری تأثیر می‌پذیرند را نشان می‌دهد. عاملین اقتصادی هنگامی که از حمایت قانونی نسبت به حقوق مالکیت خود و منافع حاصل از آن اطمینان داشته باشند با خیال راحت اقدام به سرمایه‌گذاری‌های جدید و یا گسترش سرمایه‌گذاری‌های فعلی می‌کنند<sup>۱۱</sup>. هنگامی که هر فرد از تصاحب حقوق خود توسط دیگران نگران باشد انگیزه‌اش برای اجرای فعالیت‌های اقتصادی کاهش خواهد یافت و همین امر باعث به تعویق افتادن فرایند توسعه خواهد شد (عجم اوغلو و همکاران<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۱: ۱۳۶۹؛ زاک<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۲: ۳۱؛ و لاپورتا و همکاران<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۸: ۲۸۵).

۶- کنترل فساد: درک اینکه آیا قدرت عمومی در جهت تأمین منافع خصوصی اعمال شده است و نیز تصرف و تسخیر دولت به وسیله نخبگان سیاسی و علائق خصوصی سیاستمداران را شامل می‌شود. وجود فساد از طریق کاهش انگیزه فعالین اقتصادی برای فعالیت در کارهای تولیدی، انحراف منابع به سمت فعالیت‌های با بازدهی پایین و کاهش انگیزه برای افزایش انواع سرمایه می‌تواند اثر منفی بر توسعه داشته باشد (دی آگوستینو و همکاران<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۲: ۶؛ سیریتونگول و پاستیپیاتکول<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۳: ۷۱؛ بویکوس<sup>۱۶</sup>، ۲۰۱۳: ۱۷ و باخاموسا و جلال<sup>۱۷</sup>، ۲۰۱۴: ۳۱۵).

حکمرانی خوب برای حفظ و نگهداری یک سیستم سیاسی باثبات در یک کشور مورد نیاز است. پس از آنکه نظام سیاسی باثبات گردید، رشد اقتصادی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. بنابراین، حکمرانی خوب واقعاً در سطح کلان مهم است. علاوه بر این، حکمرانی خوب واقعاً در سطح خرد نیز مورد نیاز است، حتی زمانی که شخصی یک مغازه کوچک و یا یک شرکت در سطح ملی اداره می‌کند، نیز حکمرانی خوب مورد نیاز است. امروزه تلاش بسیاری از اقتصاددانان برای ایجاد و برقراری حکمرانی خوب است که در محیط‌های دانشگاهی امروز نیز بسیار راجع به آن بحث می‌گردد و بخش وسیعی از شعارهای

همچنین اعتبار تعهد و التزام دولت به چنین سیاست‌هایی در این مؤلفه جای می‌گیرند. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ که نظریات اجماع واشنگتنی از جمله نظریات غالب در محافل اقتصادی بود، بیشتر تأکید بر کارکرد بازار بود و کمتر برای دولت در فرایند توسعه نقشی قائل می‌شد، اما با شکست بازار در برخی موارد خصوصاً در کاهش فقر و نابرابری، نظریات توسعه به حمایت از نقش دولت در توسعه گرایش پیدا کرد بخصوص تأکید بر نقش دولت در حمایت از ایجاد سرمایه انسانی، بهداشت جامعه، انتقال فناوری و حمایت از سیاست‌های مبتنی بر توسعه پایدار. گینائونی و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۱: ۱۰۵) و آدرمی<sup>۲</sup> (۲۰۱۴: ۱۲۷) به تأثیر مثبت سرمایه انسانی بر توسعه تأکید دارند. بلوم و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۰۴: ۱)، بلوم و کانینگ<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) و اشرف و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۰۸) تأکید بر تأثیر مثبت بهداشت بر توسعه دارند.

۴- کیفیت تنظیم‌گری مقررات: این شاخص آگاهی از توانایی‌های دولت در تدوین و اجرای سیاست‌های شفاف و همچنین مقرراتی که جوازها و توسعه بخش خصوصی را ارتقا می‌دهد، شامل می‌شود. وجود قوانین شفاف و محرک فعالیت‌های اقتصادی، از طریق پیش‌بینی‌پذیرتر کردن آینده برای فعالین اقتصادی، هزینه‌ها را کاهش خواهد داد و همین امر موجب جذب سرمایه‌گذاری بیشتر و حرکت رو به جلوی فرایند توسعه می‌شود. در طرف مقابل نهادها و قوانینی که انگیزه فعالیت‌های اقتصادی را کاهش می‌دهد با افزایش هزینه‌ها و به تعویق انداختن فعالیت‌های اقتصادی، منجر به کند شدن فرایند توسعه می‌گردد (بورمان و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۰۶: ۳۴۵ و لی<sup>۷</sup>، ۲۰۰۸: ۳). قوانین شفاف و کارا همچنین می‌تواند از طریق افزایش تجارت و متعاقب آن افزایش دادوستد و انتقال فناوری فرایند پیشرفت توسعه را تسهیل کند (فرونند و بولاکی<sup>۸</sup>، ۲۰۰۸: ۳۰۹ و سیلبربرگر<sup>۹</sup>، ۲۰۱۵: ۱).

۵- تأمین قضایی: این شاخص درک و آگاهی از اینکه عوامل اقتصادی به چه میزان از قوانین جامعه به ویژه کیفیت اجرای قراردادهای، حقوق دارایی‌ها، پلیس و دادگاه‌ها و نیز احتمال جرم

۱۰. باید ذکر کرد حمایت‌های قانونی از حقوق مالکیت و به‌ویژه حقوق مالکیت فکری نباید به گونه‌ای باشد که برای برخی افراد ایجاد انحصار نماید. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به (Chang (2001, 2011 رجوع کنید.

11. Acemoglu et al. (2001)

12. Zak (2002)

13. La Porta et al. (2008)

14. D'Agostino et al. (2012)

15. Srithongkul & Pastpipatkul (2013)

16. Boikos (2013)

17. Baxamusa & Jalal (2014)

1. Gennaioli et al. (2011)

2. Aderemi (2014)

3. Bloom et al. (2004)

4. Bloom & Canning (2005)

5. Ashraf et al. (2008)

6. Borrmann et al. (2006)

7. Lee (2008)

8. Freund & Bolaky (2008)

9. Silberberger (2015)

تعیین کننده رشد اقتصادی آمریکای لاتین بطور گسترده‌ای توضیح داده شده‌اند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که کیفیت پایین نهادها باعث کاهش رشد در آمریکای لاتین شده است (ساویر، ۲۰۱۰: ۱).

در کشورهای در حال توسعه آسیا نیز ژانگ و همکاران<sup>۵</sup> در مطالعه‌ای ارتباط بین حکمرانی و کیفیت نهادها و رشد اقتصادی را طی سال‌های ۲۰۰۸-۱۹۹۸ بررسی نموده‌اند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهند که بهبود حکمرانی می‌تواند به‌عنوان نقطه ورود استراتژی‌های توسعه برای بسیاری از کشورهای این مناطق باشد. همچنین، نتایج بیانگر الزام تلاش برای بهبود حکمرانی و کیفیت نهادی و نیز تحقیق برای درک بهتر رابطه بین توسعه نهادی و اقتصادی می‌باشند (ژانگ و همکاران، ۲۰۱۰: ۱).

رودرا و سانیا<sup>۶</sup> در مطالعه خودشان اثر حکمرانی خوب بر توسعه انسانی را در هندوستان طی دو دهه اخیر با استفاده از روش داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار داده‌اند. در این مطالعه از شاخص ترکیبی حکمرانی خوب به عنوان متغیر توضیحی استفاده شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که حکمرانی خوب و توسعه انسانی دوره‌های گذشته، توسعه انسانی دوره جاری را در هندوستان تعیین می‌کند (رودرا و سانیا، ۲۰۱۱: ۱).

احمد و همکاران<sup>۷</sup> نیز در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر شاخص باز بودن و متغیرهای نهادی بر رشد اقتصادی پاکستان طی سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۸۴ پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهند که رابطه بلندمدت منفی بین شاخص باز بودن و رشد اقتصادی وجود دارد. همچنین، نتایج بیانگر وجود رابطه مثبت بین ثبات دولت‌ها و رشد اقتصادی و نیز وجود رابطه منفی بین فساد و رشد اقتصادی می‌باشند (احمد و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۹).

سینگ و همکاران<sup>۸</sup> نیز در مطالعه‌ای ارتباط بین رشد فراگیر، نهادها و اقتصاد زیر زمینی را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهند وقتی کسب و کار با مقررات سنگین، اقدامات ناسازگار و فساد مواجه می‌شود، انگیزه برای فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی افزایش می‌یابد. همچنین، نتایج حاکی از آن است که نهادها نسبت به نرخ‌های مالیات، تعیین کننده مهم اندازه اقتصاد زیرزمینی می‌باشند (سینگ و

سیاسی را نیز بخود اختصاص داده است. با وجود اینکه در مطالعات مختلف، حکمرانی خوب پیش‌نیاز رشد اقتصادی است، اما هنوز رابطه بین این دو متغیر فراگیر نشده است (زبیر و خان، ۲۰۱۴: ۲۵۸).

فرض حکمرانی خوب به‌عنوان پیش‌نیاز مهم رشد، بوسیله مطالعه کافمن و کرای (۲۰۰۲) تأیید شده است. نتایج آن‌ها نشان می‌دهند که کیفیت حکمرانی تأثیر مهمی بر رشد میان‌مدت و بلندمدت می‌گذارد. سایر نتایج این مطالعه، و البته نتیجه کاملاً جدید، اشاره به این دارد که سطوح حکمرانی بهبود نمی‌یابد مگر با توجه به فرایند توسعه. عبارت دیگر، رشد بالا به خودی خود، مستلزم کیفیت حکمرانی بهبود یافته نیست. مطابق با آن نتیجه، برای دستیابی و بهبود سطوح پایدار رشد میان‌مدت و بلندمدت، لازم است بطور آگاهانه‌ای در ساختار، فرایندها، نهادها و بازیگرانی که دستگاه دولتی را تشکیل می‌دهند، مداخله صورت گیرد (وهووار و جاگر، ۲۰۰۳: ۱).

## ۲-۲- پیشینه تحقیق

در این بخش ابتدا مهمترین مطالعات انجام شده خارجی در زمینه حکمرانی خوب و رشد اقتصادی بررسی شده و در بخش دوم به مطالعات داخلی اشاره می‌شود.

### ۲-۲-۱- مطالعات خارجی

کناک<sup>۱</sup> و فنگ<sup>۲</sup> ارتباط حکمرانی، کیفیت نهادی و رشد اقتصادی را بررسی نموده‌اند. این مطالعات نشان می‌دهند بهبود شاخص‌های حکمرانی خوب اثرات مستقیمی هم بر توسعه اقتصادی و هم بر توسعه انسانی دارد (کناک، ۲۰۰۳: ۱۲ و فنگ، ۲۰۰۳: ۱۶).

کامسا و امبج<sup>۳</sup> در مطالعه خودشان، نقش نهادها را در فرایند توسعه کشورهای آفریقایی مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه دست یافته‌اند که اجرای ضعیف حاکمیت قانون، فساد، ضعف مدیریت، فقدان یک جامعه مدنی قوی و دخالت‌های سیاسی، مهمترین عامل بازدارنده در توسعه این کشورها بوده‌اند (کامسا و امبج، ۲۰۰۴: ۸۴۰).

ساویر<sup>۴</sup> نیز ارتباط بین کیفیت نهادها و رشد اقتصادی در آمریکای لاتین را بررسی نموده است. در این مطالعه، عوامل

5. Zhuang et al. (2010)

6. Rudra & Sanyal (2011)

7. Ahmad et al. (2012)

8. Singh et al. (2012)

1. Knack (2003)

2. Feng (2003)

3. Kumssa & Mbeche (2004)

4. Sawyer (2010)

همکاران، ۲۰۱۲: ۱).

سرمایه‌گذاری بر سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی، محرک بهبود رشد اقتصادی هستند (فلیشر و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۱۵). هوانگ و هانگ‌هو<sup>۱۰</sup> با استفاده از روش علیت گرنجر به بررسی رابطه علی بین حکمرانی خوب و رشد اقتصادی در کشورهای جنوب شرقی آسیا طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۶ پرداخته و نتیجه می‌گیرند رابطه علی یک سویه از حکمرانی خوب به رشد اقتصادی در این کشورها برقرار می‌باشد (هوانگ و هانگ‌هو، ۲۰۱۷: ۲۶۰).

حسام اوغلو<sup>۱۱</sup> به بررسی اثر نهادها و رشد اقتصادی در ترکیه طی بازه زمانی ۲۰۱۶-۱۹۸۷ می‌پردازد. این بازه زمانی به دلیل حرکت ترکیه در مسیر عضویت اتحادیه اروپا به‌عنوان عامل محرک بهبود کیفیت نهادی انتخاب شده است. نتایج این پژوهش ضمن تصریح بر نقش مهم نهادها بر رشد اقتصادی ترکیه، نشان می‌دهد تأثیر کیفیت قوانین و بروکراسی و همچنین مدیریت تضادهای اجتماعی و تنش‌های سیاسی بیش از سایر شاخص‌های نهادی بر رشد اقتصادی ترکیه اثرگذار بوده است (حسام اوغلو، ۲۰۱۸: ۲۱۱).

نجه و ایسماهن<sup>۱۲</sup> با استفاده از روش همجمعی حداقل مربعات تصحیح شده و پویا به بررسی رابطه بلندمدت بین رشد اقتصادی و حکمرانی خوب در مراکش طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۶ پرداخته و نتیجه می‌گیرند در بلندمدت شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی خوب و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی این کشور دارند (نجه و ایسماهن، ۲۰۱۹: ۱۸۴).

عبدالباری و بنهین<sup>۱۳</sup> در مطالعه‌ای با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی پویا و تخمین زنده گشتاور تعمیم یافته به بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری و حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی ۱۰۱ کشور طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۵ پرداخته و نتیجه گرفته است، شاخص کیفیت مقررات، سرمایه انسانی و سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی دارند (عبدالباری و بنهین، ۲۰۱۹: ۱۸۹).

ماتالاه<sup>۱۴</sup> با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی ایستا و روش اثرات ثابت و تصادفی به بررسی نقش حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی ۱۱ کشور صادرکننده نفت در منطقه خاورمیانه و

صدیقی و احمد<sup>۱</sup> به بررسی اثر نهادها بر رشد اقتصادی در ۲۹ کشور منتخب جهان طی بازه زمانی ۲۰۰۶-۲۰۰۲ می‌پردازند. در این مطالعه از شاخص فناوری‌های اجتماعی نهادسازی<sup>۲</sup>، حقوق سیاست‌گذاری و نهادی<sup>۳</sup>، حقوق سیاسی<sup>۴</sup>، شاخص کاهش ریسک<sup>۵</sup> و شاخص جهانی حکمرانی<sup>۶</sup> برای معرفی اثر نهادها استفاده شده است. در این مطالعه با اشاره به این موضوع که اهمیت غیرقابل انکار نهادها بر رشد اقتصادی، امری پذیرفته شده است، به بررسی شدت اثرگذاری انواع نهادها بر رشد اقتصادی می‌پردازد. در این مطالعه که از روش داده‌های تابلویی پویا<sup>۷</sup> و گشتاورهای تعمیم‌یافته استفاده شده است، نتایج نشانگر آن است که نهادها تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی اعمال می‌نمایند. همچنین نتایج این پژوهش خاطر نشان می‌سازد تأثیر شاخص سیاست‌گذاری بر رشد بلندمدت اقتصادی بیش از سایر شاخص‌های نهادی است، حال آنکه اثر نهادها در تقلیل‌دهنده ریسک حتی در برخی موارد غیرمعنی‌دار بوده است (صدیقی و احمد، ۲۰۱۳: ۱۸).

زبیر و خان<sup>۸</sup> در بررسی ارتباط بین شاخص‌های حکمرانی و رشد اقتصادی در پاکستان، وجود رابطه مثبت بین این دو متغیر را نتیجه گرفته‌اند. علاوه بر این، نتایج این مطالعه حاکی از آن است که در بین شاخص‌های حکمرانی، شاخص ثبات سیاسی نقش مهمی در افزایش رشد اقتصادی ایفا می‌نماید (زبیر و خان، ۲۰۱۴: ۲۵۸).

فلیشر و همکاران<sup>۹</sup> به بررسی اثر نهادهای اقتصادی و سیاسی بر فرایند رشد اقتصادی در ۷۹ کشور در حال توسعه و توسعه‌یافته منتخب طی بازه زمانی ۲۰۱۲-۱۹۷۵ می‌پردازند. در این مطالعه برای بررسی اثر نهادهای اقتصادی از شاخص آزادی اقتصادی و به‌منظور بررسی اثر نهادهای سیاسی از شاخص حکمرانی استفاده شده است. این مطالعه نشان می‌دهد نهادهای سیاسی اثر مستقیمی بر نرخ رشد اقتصادی ندارند و بهبود نهادهای سیاسی از طریق اثرگذاری بر سایر عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی از جمله فضای کسب و کار، افزایش

1. Siddiqui & Ahmed (2013)
2. Institutionalized Social Technologies
3. Institutional and Policy Rents
4. Political Rents
5. Risk Reducing Technologies
6. World Governance Indicator
7. Dynamic Panel Data
8. Zubair & Khan (2014)
9. Fleisher et al. (2016)

10. Huang & Hong Ho (2017)

11. Hisamoglu (2018)

12. Najeh & Ismahen (2019)

13. Abdelbary & Benhin (2019)

14. Matallah (2020)

مجموع نتایج بدست آمده از برآورد الگوی رشد، تأکیدی بر ارتباط معنی‌دار و مستقیم بین اجزای مختلف شاخص حکمرانی خوب با رشد اقتصادی کشورهای منطقه است (بشیری و شقاقی شهری، ۱۳۹۰: ۱۳۷).

ندیری و محمدی از شاخص حکمرانی خوب برای بررسی تأثیر نهادها بر رشد کشورهای مختلف جهان، به روش داده‌های تابلویی پویا استفاده کردند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان دهنده تأثیرگذاری نهادها بر رشد اقتصادی کشورها در سطح جهان به جز کشورهای نفتی است (ندیری و محمدی، ۱۳۹۰: ۱).

نصیرخانی با بهره‌گیری از رهیافت داده‌های تابلویی به بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب اسلامی طی سال‌های ۲۰۱۲-۱۹۶۰ پرداخته و به این نتیجه می‌رسد در طول زمان با افزایش کیفیت حکومت به میزان یک درصد، رشد پنج درصدی تولید ناخالص داخلی برای کشورهای مورد مطالعه را به‌همراه داشته و متغیرهای توضیحی تحقیق می‌توانند ۳۵ درصد از تغییرات نرخ رشد تولید ناخالص داخلی را توضیح دهد (نصیرخانی، ۱۳۹۳: ۸۵).

شاکری و همکاران در مقاله‌ای به بررسی کیفیت نهادی و رابطه آن با رشد اقتصادی سرانه در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا با استفاده از داده‌های تابلویی در دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۰۲ می‌پردازند. نتایج حاصل از تخمین الگوهای رشد نشان می‌دهد، کیفیت بروکراسی رابطه مثبت و معناداری با رشد دارد. ثبات سیاسی و کنترل فساد رابطه منفی و اثربخشی دولت، حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی و حاکمیت قانون رابطه مثبت اما غیرمعنی‌دار را نشان می‌دهند (شاکری و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۴).

امیری و شاه‌آبادی به بررسی تأثیر شاخص نهادهای حکمرانی بر توسعه کشورهای مسلمان عضو گروه دی هشت طی بازه ۲۰۱۴-۱۹۹۶ با استفاده از روش داده‌های تابلویی می‌پردازند. نتایج مطالعه نشان دهنده تأثیر مثبت و معنی‌دار شاخص حکمرانی بر توسعه است. همچنین متغیرهای سرمایه فیزیکی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و برابری نیز تأثیر مثبت و معنی‌دار بر توسعه دارند. در حالی که ضریب تخمینی متغیر سرمایه انسانی بر توسعه مثبت و غیرمعنی‌دار است (امیری و شاه‌آبادی، ۱۳۹۴: ۹۳).

فاتحی دابانلو و همکاران به بررسی ارتباط بین نهادها و توسعه در کشورهای منطقه خاورمیانه طی سال‌های ۲۰۱۴-

شمال آفریقا طی سال‌های ۲۰۱۷-۱۹۹۶ پرداخته و نتیجه می‌گیرد که شاخص کیفیت مقررات و اثربخشی دولت اثر معنی‌داری بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی داشته و در خروج اقتصاد این کشورها از نفرین منابع طبیعی نقش مهمی ایفا می‌کنند (ماتالا، ۲۰۲۰: ۱).

عمری و مبروک<sup>۱</sup> با بهره‌گیری از سیستم معادلات همزمان و روش حداقل مربعات سه مرحله‌ای به بررسی ارتباط همزمان بین رشد اقتصادی و حکمرانی خوب در ۲۰ کشور منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۶ می‌پردازند. یافته‌های تجربی مطالعه دلالت بر تأثیر مثبت و معنی‌دار سرمایه انسانی و شاخص‌های حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در این قبیل کشورها دارد (عمری و مبروک، ۲۰۲۰: ۱).

## ۲-۲-۲- مطالعات داخلی

کميجانی و سلاطین با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی به بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی دو گروه از کشورهای عضو صادرکننده نفت و سازمان همکاری توسعه اقتصادی طی سال‌های ۲۰۰۷-۱۹۹۶ پرداخته و به این نتیجه می‌رسند که ارتباط مثبت و معنی‌داری میان شاخص کیفیت حکمرانی و رشد اقتصادی در هر دو گروه وجود دارد. همچنین میزان تأثیرگذاری شاخص کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای عضو OPEC بیشتر از گروه کشورهای عضو OECD می‌باشد. شاخص ثبات سیاسی در گروه کشورهای عضو OPEC و شاخص کنترل فساد در گروه کشورهای عضو OECD دارای بیشترین تأثیر بر نرخ رشد اقتصادی می‌باشند (کميجانی و سلاطین، ۱۳۸۷: ۲۷).

بشیری و شقاقی شهری ضمن تبیین ساز و کار ارتباط حکمرانی خوب با کاهش فساد و بهبود رشد اقتصادی، در قالب الگوی اقتصادسنجی داده‌های تابلویی برای نمونه کشورهای آسیای جنوب غربی<sup>۲</sup> در بازه زمانی ۲۰۰۷-۱۹۹۶، پرسش «پیاده‌سازی بسته سیاستی حکمرانی خوب موجب رشد اقتصادی کشورها می‌گردد» را مورد بررسی قرار می‌دهند، در

1. Omri & Mabrouk (2020)

۲. ایران، قزاقستان، عربستان، پاکستان، ترکیه، افغانستان، یمن، ترکمنستان، ازبکستان، عراق، عمان، قرقیزستان، سوریه، تاجیکستان، اردن، آذربایجان، امارات متحده عربی، گرجستان، ارمنستان، فلسطین، کویت، قطر، لبنان و بحرین.



موجب افزایش ذخیره سرمایه سرانه، تولید سرانه، مصرف سرانه و سطح رفاه در وضعیت یکنواخت شده است (ایزدخواستی، ۱۳۹۷: ۱۳۵).

ملکی حسنونند و همکاران با استفاده از روش داده‌های تابلویی پویا و تخمین‌زننده گشتاور تعمیم یافته، به بررسی تأثیر هم‌زمان حکمرانی خوب و اجزای مخارج دولتی بر رشد اقتصادی در کشورهای حوزه منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا طی سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۲ می‌پردازند. یافته‌های تجربی این مطالعه بیانگر این است که حکمرانی خوب (میانگین وزنی شش شاخص) و مخارج دولتی دارای تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی هستند. همچنین تأثیر متغیرهای تولید ناخالص داخلی دوره گذشته و درجه بازبودن تجارت، بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است. تأثیر متغیر مخارج امور اقتصادی و متغیر مخارج امور عمومی بر رشد اقتصادی منفی و معنی‌دار است (ملکی حسنونند و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۹).

مرور پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که در مطالعات صورت گرفته و به ویژه پژوهش‌های داخلی به بررسی کیفی رابطه بین حکمرانی و کیفیت نهادی و رشد اقتصادی پرداخته‌اند و با بهره‌گیری از رهیافت داده‌های تابلویی خطی ارتباط بین شاخص‌های حکمرانی خوب و رشد اقتصادی را تبیین نموده‌اند. از آنجا که انتظار می‌رود در طول زمان و در سطوح مختلف رژیم، کیفیت نهادی مقدار ضرایب و نحوه تأثیرگذاری آن بر رشد اقتصادی کشورها تغییر یابد، لذا این مطالعه گامی فراتر نهاده و در راستای رفع این نقیصه، با بهره‌گیری از الگو رگرسیونی انتقال ملایم تابلویی (PSTR) به عنوان مناسب‌ترین الگوی تغییر رژیمی ملایم و آرام، به بررسی روابط غیرخطی و آستانه‌ای بین این دو متغیر می‌پردازد. لازم به ذکر است از مزیت‌های الگوی PSTR به عنوان برجسته‌ترین الگوی تغییر رژیمی<sup>۱</sup>، می‌توان به انعطاف‌پذیری بالای این الگو اشاره کرد بگونه‌ای که این الگو، نه تنها یک شکل تابعی خاص و محدودکننده را بر رابطه میان متغیرها تحمیل نمی‌کند، بلکه رابطه غیرخطی محتمل میان متغیرها را با استفاده از تابع انتقال<sup>۲</sup> و بر مبنای مشاهدات متغیر آستانه‌ای<sup>۳</sup> به شیوه‌ای پیوسته الگوسازی می‌کند. همچنین مزیت دیگر این الگو، امکان تغییر ضرایب تخمینی برای کشورهای مختلف و حتی در

۱۹۹۶ می‌پردازند. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد در کشورهای صادرکننده و غیرصادرکننده نفت منطقه خاورمیانه اختلاف معنی‌داری بین تأثیر متقابل نهادها و توسعه وجود دارد (فاتحی دابانلو و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۹).

محمدی و همکاران با استفاده از داده‌های مربوط به کیفیت حکمرانی در ۹۷ کشور جهان در دوره ۲۰۱۲-۲۰۰۰ با استفاده از روش داده‌های تابلویی به بررسی تأثیر کیفیت حکمرانی و شاخص‌های آن روی نرخ رشد تولید سرانه پرداخته و به این نتیجه می‌رسند که شاخص‌های حکمرانی برای گروه‌های درآمدی متفاوت اثرات همسان و هم جهت ندارند. چنان‌چه شاخص اظهار نظر و پاسخ‌گویی فقط در سه گروه از کشورها (گروه‌های سوم، چهارم و پنجم) اثر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی دارد. شاخص ثبات سیاسی فقط در گروه سوم تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی داشته و در سایر گروه‌ها این چنین نیست. شاخص کارآمدی دولت فقط در گروه‌های سوم، چهارم و پنجم تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی دارد. در گروه اول فقط شاخص کیفیت مقررات تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی نشان می‌دهد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۹).

جلیلی و سلمانی‌بی‌شک با استفاده از داده‌های ۳۱ کشور غنی از نفت (پروکسی منابع طبیعی) در طول سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۵ و روش اثرات همبسته مشترک پویای پانل دیتا، به مطالعه رابطه وفور منابع طبیعی، حکمرانی و رشد اقتصادی با تأکید بر نقش فناوری اطلاعات پرداخته و نتیجه می‌گیرند نقش منابع طبیعی در رشد اقتصادی به کیفیت حکمرانی در کشورها بستگی دارد. منابع طبیعی در کشورهایی با کیفیت حکمرانی بالا، به عنوان عاملی مهم و ضروری برای رشد اقتصادی بدل شده اما در کشورهایی با حکمرانی ضعیف، منابع طبیعی بازدارنده رشد اقتصادی بوده است. به تعبیری وفور منابع زمانی سبب رونق فعالیت‌های اقتصادی می‌شود که حکمرانی خوب حاکم باشد و در صورت ضعف در حکمرانی، وفور منابع سبب کند شدن رشد اقتصادی می‌شود (جلیلی و سلمانی‌بی‌شک، ۱۳۹۷: ۱۳۷).

ایزدخواستی به تحلیل تأثیر کیفیت حکمرانی و ترکیب مخارج دولت بر پویایی‌های سرمایه، مصرف و رشد اقتصادی در چارچوب یک الگوی رشد درون‌زا در اقتصاد ایران می‌پردازد. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که افزایش کیفیت حکمرانی از طریق اثرگذاری بر ساختار مخارج دولت و کاهش رانت دولتی

1. Regime-Switching  
2. Transition Function  
3. Threshold Variable

شکل تعمیم یافته الگوی PSTR با بیش از یک تابع انتقال نیز به صورت زیر تصریح می‌شود:

(۳)

$$y_{it} = \mu_i + \beta_0' x_{it} \sum_{j=1}^m [\beta_j' x_{it}] G_j(q_{it}; \gamma_j, c_j) + u_{it}$$

گونزالز و همکاران (۲۰۰۵) لحاظ کردن یک یا دو مقدار آستانه‌ای،  $m=1$  یا  $m=2$ ، را برای مواجهه با تغییرپذیری پارامترها پیشنهاد می‌کنند. برای  $m=1$  الگوی PSTR بر دو رژیم حدی مرتبط با مقادیر کمتر و بیشتر از متغیر انتقال ( $q_{it}$ ) در مقایسه با حد آستانه‌ای ( $c_1$ ) و با یک تابع انتقال یکنواخت از ضرایب  $\beta_0$  تا  $\beta_1 + \beta_0$  دلالت می‌کند. برای  $m=2$  تابع انتقال در نقطه  $(c_1 + c_2)/2$  به حداقل می‌رسد و مقدار عددی یک را برای مقادیر کمتر و بیشتر متغیر انتقال ( $q_{it}$ ) لحاظ می‌کند.

در تخمین الگوی PSTR اثرات واحدهای مقطعی به وسیله حذف میانگین‌های انفرادی برطرف می‌شود. سپس با استفاده از روش حداقل مربعات غیرخطی (NLS)<sup>۳</sup> تخمین انجام می‌گیرد. اما مطابق مطالعات انجام شده توسط فوک و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۰۴)، گونزالز و همکاران (۲۰۰۵) و کولیتاز و هارولین (۲۰۰۶) در تخمین الگوی PSTR ابتدا آزمون خطی بودن در مقابل PSTR انجام می‌شود و در صورت رد فرضیه صفر مبنی بر خطی بودن، باید تعداد توابع انتقال جهت تصریح کامل رفتار غیرخطی موجود میان متغیرها انتخاب شود. برای این منظور، فرضیه صفر وجود یک تابع انتقال در مقابل فرضیه وجود حداقل دو تابع انتقال آزمون می‌شود. در صورتی که فرضیه صفر رد نشود، لحاظ کردن یک تابع انتقال جهت بررسی رابطه غیرخطی میان متغیرها کفایت می‌کند. اما در صورتی که فرضیه صفر رد شود، حداقل دو تابع انتقال در الگوی PSTR وجود خواهد داشت و در ادامه باید فرضیه صفر وجود دو تابع انتقال در مقابل فرضیه وجود حداقل سه تابع انتقال آزمون شود. این فرایند تا جایی باید ادامه یابد که فرضیه صفر پذیرفته شود.<sup>۵</sup>

با توجه به مطالب ارائه شده در بالا و تبیین تأثیر شاخص حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در بخش ادبیات موضوع، معادله در نظر گرفته شده در این بخش به صورت زیر است:

طول زمان است که این ویژگی امکان استفاده از این الگو برای داده‌های ناهمگن و نامتجانس را فراهم می‌نماید. از این رو، نوآوری و وجه تمایز این مطالعه در مقایسه با مطالعات داخلی (همانند ملکی حسنونند و همکاران (۱۳۹۸: ۹۹) و جلیلی و (۳) سلمانی بی‌شک (۱۳۹۷: ۱۳۷)) الگوسازی تجربی و تصریح الگو با استفاده از مبانی نظری مرتبط و نیز برآورد الگو به روش غیرخطی انتقال ملایم در داده‌های تابلویی برای کشورهای با درآمد سرانه متوسط و بالا طی سال‌های ۲۰۱۸-۱۹۹۶ می‌باشد.

### ۳- روش‌شناسی

تبیین الگوی رگرسیونی انتقال ملایم تابلویی (PSTR) و مراحل تخمین آن در این بخش ارائه می‌گردد. گونزالز و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) یک الگوی PSTR با دو رژیم حدی و یک تابع انتقال را به صورت زیر تصریح می‌نمایند:

(۱)

$$y_{it} = \mu_i + \beta_0' x_{it} + \beta_1' x_{it} G(q_{it}; \gamma, c) + u_{it}$$

$$i = 1, \dots, N, t = 1, \dots, T$$

که در آن  $y_{it}$  متغیر وابسته،  $x_{it}$  برداری از متغیرهای برون‌زا،  $\mu_i$  اثرات ثابت مقاطع و نیز  $u_{it}$  جزء خطا است که دارای توزیع نرمال فرض شده است. تابع انتقال  $G(q_{it}; \gamma, c)$  نیز یک تابع پیوسته و کراندار بین صفر و یک است که توسط مقدار متغیر آستانه‌ای تعیین می‌شود و به پیروی از گونزالز و همکاران (۲۰۰۵) به صورت لاجستیکی زیر تصریح می‌گردد:

(۲)

$$G(q_{it}; \gamma, c) = \left[ 1 + \exp\left(-\gamma \prod_{j=1}^m (q_{it} - c_j)\right) \right]^{-1}$$

$$\gamma > 0, c_1 \leq c_2 \leq \dots \leq c_m$$

در این تابع  $\gamma$  پارامتر شیب و بیانگر سرعت تعدیل از یک رژیم به رژیم دیگر است و  $q_{it}$  متغیر انتقال یا آستانه‌ای می‌باشد که بر اساس مطالعه کولیتاز و هارولین<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) می‌تواند از بین متغیرهای توضیحی، وقفه متغیر وابسته، یا هر متغیر دیگر خارج از الگو که از حیث مبانی تئوریک در ارتباط با الگوی مورد مطالعه بوده و عامل ایجاد رابطه غیرخطی باشد، انتخاب گردد. همین‌طور  $c = (c_1, \dots, c_m)'$  یک بردار از پارامترهای حد آستانه‌ای یا مکان‌های وقوع تغییر رژیم است.

3. Non-Linear Least Squares (NLS)

4. Fok et al. (2004)

۵. خوانندگان محترم مقاله در صورت تمایل به مطالعه بیشتر راجع به مدل‌های PSTR می‌توانند به حیدری و همکاران (۱۳۹۳: ۱۵۷) مراجعه نمایند.

1. Gonzalez et al. (2005)

2. Colletaz & Hurlin (2006)

مطالعه حاضر به پیروی از چارچوب ارلیک و لوئی<sup>۴</sup> (۱۹۹۹): (۲۷۰)، با استفاده از الگوی رشد درون‌زا انجام گرفته است. انتخاب این نوع الگوی رشد متأثر از این حقیقت است که اولاً بخاطر پرهیز از آزمون علیت معکوس بین حکمرانی خوب و رشد، تأثیر حکمرانی خوب روی رشد در یک الگوی رشد درون‌زا بررسی می‌گردد. چرا که احتمال اینکه رشد پایین اقتصادی، سطوح شاخص‌های نهادی (در این مطالعه شاخص حکمرانی خوب) را متأثر نماید، دور از انتظار نبوده و حتی یک مسئله تجربی میان اقتصاددانان است. همچنین آزمون علیت معکوس، نوع خاصی از داده‌ها را می‌طلبد که داده‌های موجود حکمرانی خوب برای این آزمون مناسب نمی‌باشند. ثانیاً با استفاده از چارچوب ارلیک-لوئی می‌توان شاهد گستره وسیعی از پیامدهای رشد و حکمرانی خوب بود. به پیروی از اورنسل<sup>۵</sup> (۲۰۱۰: ۵۰۱) برخی متغیرهای کنترل که در الگوسازی رابطه شاخص‌های نهادی (اینجا حکمرانی خوب) و رشد اقتصادی در الگوهای رشد درون‌زا می‌توانند مؤثر واقع شوند، در مطالعه حاضر انتخاب شده‌اند که عبارتند از: مخارج تحصیل، نرخ تورم، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی و شاخص درجه باز بودن اقتصاد. همان‌طور که در مبنای نظری نیز ذکر شد، شاخص‌های حکمرانی خوب حاصل تلاش سه تن از محققان بانک جهانی کافمن، کرای و زویدو لوباتون است که یافته‌های مؤسسات مختلف بین‌المللی همچون راهنمای ریسک بین‌المللی کشورها<sup>۶</sup>، بنیاد هریتیج<sup>۷</sup> و خانه آزادی پیرامون وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها را با یکدیگر ادغام کرده و شاخص‌های کلی و جدیدی بر اساس میانگین هندسی تحت عنوان شاخص‌های حکمرانی معرفی نموده‌اند.

#### ۴- نتایج برآورد الگو

قبل از برآورد الگو به روش PSTR، لازم است آزمون پایایی متغیرهای تحقیق انجام شود. با توجه به بیشتر بودن تعداد کشورهای مورد بررسی (۵۸ کشور) از دوره زمانی مورد مطالعه (۲۳ سال)، از آزمون ریشه واحد هریس و تزاولیس<sup>۸</sup> (۱۹۹۹): (۲۰۱) برای آزمون پایایی متغیرهای الگو استفاده شده که نتایج

(۴)

$$GGDP_{it} = \alpha_i + \beta_1 HC_{it} + \beta_2 GGI_{it} + \beta_3 GCF_{it} + \beta_4 INF_{it} + \beta_5 OPEN_{it} + \varepsilon_{it}$$

در این تحقیق تأثیر آستانه‌ای حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی کشورهای با سطح درآمدی متوسط و بالاتر طی دوره زمانی ۲۰۱۸-۱۹۹۶، با استفاده از الگوی رگرسیونی انتقال ملایم تابلویی به صورت ایستا الگوسازی می‌شود. در معادله فوق:

متغیر رشد تولید ناخالص داخلی (GGDP) بر حسب دلار به قیمت ثابت سال ۲۰۱۰ به عنوان متغیر وابسته الگو انتخاب شده است.

شاخص حکمرانی خوب (GGI) در این مطالعه، از میانگین هندسی شش شاخص حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، کنترل فساد، حاکمیت قانون، کیفیت قوانین و اثربخشی دولت بدست آمده است<sup>۱</sup>. این شاخص در محدوده بین ۲/۵- تا ۲/۵+ قرار دارد که مقدار بیشتر این شاخص بیانگر سطوح بالای حکمرانی خوب است. دلیل استفاده از میانگین هندسی متغیرها این است که برای محاسبه میانگین شاخص‌ها، نسبت‌ها و نرخ‌های رشد از این میانگین به جای میانگین ساده یا حسابی استفاده می‌شود.

برای متغیر سرمایه انسانی (HC) از نسبت مخارج تحصیل به درآمد ناخالص ملی استفاده شده است.

متغیر GCF برای تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی، تعریف شده است.

برای متغیر نرخ تورم (INF) نیز درصد سالانه تورم بر اساس شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی به قیمت ثابت سال ۲۰۱۰ استفاده شده است.

برای شاخص درجه باز بودن اقتصاد (OPEN) نیز نسبت تجارت یا مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی استفاده شده است. شایان ذکر است که داده‌های مورد استفاده برای شاخص حکمرانی خوب از وب سایت شاخص‌های حکمرانی جهانی<sup>۲</sup> و سایر متغیرهای توضیحی و وابسته از شاخص‌های توسعه بانک جهانی<sup>۳</sup> (۲۰۱۹) استخراج شده‌اند.

بررسی رابطه بین شاخص حکمرانی خوب و رشد اقتصادی در

4. Ehrlich & Lui (1999)

5. Evrensel (2010)

6. International Country Risk Group

7. Heritage Foundation

8. Harris & Tzevalis (1999)

۱. بر اساس تعریف بانک جهانی، حکمرانی خوب بر مبنای این شش شاخص تعریف می‌شود.

2. Worldwide Governance Indicators

3. World Development Indicators

به صورت جدول (۱) می‌باشد:

### جدول ۱. نتایج آزمون ریشه واحد هریس و تزاوالیس برای

متغیرهای تحقیق

| نتیجه       | ارزش احتمال | مقدار آماره آزمون Z | متغیرهای وابسته و توضیحی |
|-------------|-------------|---------------------|--------------------------|
| پایا در سطح | ۰/۰۰۰       | -۶/۳۵               | GGDP                     |
| پایا در سطح | ۰/۰۰۰       | -۴/۲۵               | GGI                      |
| پایا در سطح | ۰/۰۰۰       | -۶/۷۸               | OPEN                     |
| پایا در سطح | ۰/۰۰۰       | -۹/۲۵               | HC                       |
| پایا در سطح | ۰/۰۰۰       | -۴/۵۶               | GCF                      |
| پایا در سطح | ۰/۰۰۰       | -۵/۵۴               | INF                      |

مأخذ: محاسبات تحقیق

و جوید<sup>۱</sup> (۲۰۱۰: ۱۵) در مطالعات خارجی و داخلی مانند حیدری و همکاران (۱۳۹۳: ۱۵۷)، دو الگوی PSTR با یک و دو حد آستانه‌ای تخمین زده شده و برای هر کدام از آن‌ها مقادیر مجموع مجذور باقیمانده‌ها، معیار شوارتز<sup>۲</sup> و معیار اطلاعات آکائیک<sup>۳</sup> محاسبه گردید. در جدول (۳) معیارهای عنوان شده برای هر دو الگوی PSTR ارائه شده است. همان‌طور که نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد مقدار مجموع مجذور باقیمانده‌ها در هر دو حالت وجود یک و دو حد آستانه‌ای، مساوی می‌باشند. لیکن دو معیار شوارتز و آکائیک مقادیر متفاوتی برای حالت‌های وجود یک و دو حد آستانه‌ای ارائه داده‌اند. لذا بر طبق نتیجه این دو معیار، یک الگوی PSTR با یک تابع انتقال و یک حد آستانه‌ای برای بررسی رفتار غیرخطی میان متغیرهای مورد مطالعه انتخاب می‌شود.

### جدول ۳. تعیین تعداد مکان‌های آستانه‌ای در یک تابع انتقال

| معیار آکائیک | معیار شوارتز | مجموع مجذور باقیمانده‌ها | m   |
|--------------|--------------|--------------------------|-----|
| -۷/۷۳۱       | -۷/۴۴۲       | ۰/۰۴۶                    | m=1 |
| -۷/۷۰۹       | -۷/۴۰۰       | ۰/۰۴۶                    | m=2 |

مأخذ: محاسبات تحقیق

پس از انتخاب الگوی PSTR با یک تابع انتقال و یک حد آستانه‌ای که بیانگر یک الگوی دو رژیم‌ی است، میزان آستانه‌ای، حد پایین و بالای شاخص حکمرانی خوب در سطح اطمینان ۹۵ درصد برآورد شده که در جدول زیر گزارش شده است:

### جدول ۴. نتایج تخمین حد آستانه‌ای، حد پایین و بالای شاخص

حکمرانی خوب در سطح اطمینان ۹۵ درصد

| میزان حد آستانه‌ای شاخص حکمرانی خوب | حد پایین | حد بالا | سرعت انتقال |
|-------------------------------------|----------|---------|-------------|
| -۰/۹۴                               | -۰/۹۸    | ۲/۳     | ۱/۷۴        |

مأخذ: محاسبات تحقیق

نتایج برآورد حد آستانه‌ای نشان می‌دهد میزان حد آستانه‌ای شاخص حکمرانی خوب برابر با -۰/۹۴ بوده و اثرگذاری آن بر رشد اقتصادی کشورهای با درآمد سرانه متوسط و بالا قبل و بعد از این مقدار متفاوت خواهد بود. علاوه

نتایج آزمون ریشه واحد هریس و تزاوالیس برای متغیرهای تحقیق نشان می‌دهد تمامی متغیرها پایا در سطح بوده و بحث هم‌جمعی در الگوی برآورد شده موضوعیت ندارد. در ادامه وجود ارتباط خطی یا غیرخطی در خصوص الگوی تصریح شده با بهره‌گیری از آماره آزمون فیشر و حداکثر راستنمایی آزمون شده که نتایج به صورت جدول (۲) می‌باشد:

### جدول ۲. نتایج آماره‌های آزمون وجود ارتباط خطی یا غیرخطی بین

متغیرهای الگو

| مقدار آماره آزمون فیشر           | ۷/۱۴  | رد فرضیه صفر و وجود رابطه غیرخطی |
|----------------------------------|---|----------------------------------|
| مقدار آماره آزمون نسبت راستنمایی | ۱۷/۴۳ <th>رد فرضیه صفر و وجود رابطه غیرخطی</th> | رد فرضیه صفر و وجود رابطه غیرخطی |
| ارزش احتمال                      | ۰/۰۰۰ <th>رد فرضیه صفر و وجود رابطه غیرخطی</th> | رد فرضیه صفر و وجود رابطه غیرخطی |
| مقدار میانگین مجذور خطا          | ۱/۴۶ <td>-----</td>                             | -----                            |

مأخذ: محاسبات تحقیق

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد بین متغیرهای الگو در ۵۸ کشور با درآمد سرانه متوسط و بالا رابطه غیرخطی برقرار بوده و فرضیه صفر مبنی بر وجود رابطه خطی در تمامی سطوح معنی‌داری رد می‌شود. پس از رد خطی بودن رابطه موجود بین متغیرهای تحت بررسی و انتخاب یک تابع انتقال، در ادامه باید تعداد مکان‌های آستانه‌ای ضروری برای الگوی نهایی انتخاب شوند. برای این منظور و به پیروی از کولیتاز و هارولین (۲۰۰۶)

1. Jude (2010)

2. Schwarz Criterion

3. Akaike Information Criterion

توجهی از بودجه به مخارج آموزشی گشته و آموزش نیروی انسانی نیز از چهار راه باعث رشد اقتصادی می‌شود: (۱) ایجاد نیروی کار مولدتر با بالا بردن سطح دانش و مهارت آنان؛ (۲) فراهم آوردن اشتغال گسترده و فرصت کسب درآمد برای معلمان، کارکنان مدرسه، چاپخانه‌های کتاب‌های درسی و کاغذ، کارخانجات تولیدکننده لباس هم‌شکل برای مدارس و غیره؛ (۳) ایجاد رهبران تحصیل کرده بمنظور اشغال پست‌هایی که بوسیله متخصصان خارجی خالی شده و یا شغل‌های بلا تصدی در بخش خدمات دولتی، شرکت‌های دولتی، بنگاه‌های اقتصادی خصوصی؛ (۴) احتمالاً فراهم آوردن نوعی آموزش در جهت بالا بردن سطح سواد خواندن و نوشتن و حساب کردن و مهارت‌های اصلی و در عین حال ترویج طرز تفکر جدید در بین طبقات متعدد جمعیت. لذا این متغیر در رژیم دوم با شدت بیشتری در جهت افزایش رشد اقتصادی عمل می‌نماید.

ضرایب نرخ تورم در هر دو رژیم منفی است و با انتقال به سطوح بالای حکمرانی خوب (رژیم دوم) شدت تأثیرگذاری منفی کاهش می‌یابد. انتظار بر آن است که در جوامع با حکمرانی ضعیف، از یک طرف انگیزه‌ای برای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری وجود نداشته باشد که این امر موجب افزایش تقاضا برای مصرف و در نتیجه افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌گردد. از طرف دیگر، در چنین جوامعی دولت‌ها برای تأمین مالی مخارج از حق‌الضرب استفاده می‌کنند که این عامل نیز باعث افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌گردد. از این رو شدت تأثیرگذاری منفی تورم به لحاظ جبری در رژیم اول بیشتر از رژیم دوم است.

ضرایب شاخص درجه باز بودن اقتصاد در هر دو رژیم مثبت است و با انتقال به سطوح بالای حکمرانی (رژیم دوم) شدت تأثیرگذاری افزایش می‌یابد که این تأثیر، نشان‌دهنده نقش مثبت حکمرانی خوب در افزایش مشارکت در بازار جهانی و جلب سرمایه‌های داخلی و خارجی و افزایش تجارت بین‌المللی این گروه کشورها می‌باشد. ضرایب برآوردشده برای تشکیل سرمایه ثابت ناخالص نیز در هر دو رژیم مثبت و معنی‌دار بوده اما در رژیم دوم یا سطح بالای حکمرانی خوب ضریب تأثیرگذاری آن بر رشد تولید بیشتر از وضعیت پایین شاخص حکمرانی است. به عبارت دیگر با افزایش سرمایه‌گذاری و میزان تقاضای کل، تولید و درآمد افزایش یافته و رشد آن نیز افزایش می‌یابد. در ادامه معیارهای اطلاعاتی

بر این، سرعت انتقال متغیر شاخص حکمرانی خوب برابر با ۱/۷۴ بوده که آرام و ملایم می‌باشد. پس از تعیین پارامترها و سرعت انتقال، تخمین الگو به روش انتقال ملایم در بخش خطی و غیرخطی برآورد شده که نتایج در قالب جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۵. نتایج تخمین الگو در بخش خطی و غیرخطی

| متغیرهای توضیحی  | ضریب برآورد شده | مقدار آماره t | ارزش احتمال (PV) |
|------------------|-----------------|---------------|------------------|
| نتایج بخش خطی    |                 |               |                  |
| GGI              | ۰/۰۵            | ۲/۹۳۶۴        | ۰/۰۰۳۶           |
| OPEN             | ۰/۰۹            | ۱/۷۸۵۳        | ۰/۰۷۵۴           |
| HC               | ۰/۰۲            | ۲/۲۳۸۱        | ۰/۰۰۱۴           |
| GCF              | ۰/۰۰۰۱۵         | ۱/۹۶۷۶        | ۰/۰۵۰۲           |
| INF              | -۰/۸۷           | -۳/۵۹۵۰       | ۰/۰۰۰۴           |
| نتایج بخش غیرخطی |                 |               |                  |
| GDR              | ۰/۱۹            | ۲/۸۵۲۱        | ۰/۰۰۰۰           |
| OPEN             | -۰/۰۰۴          | ۲/۹۷۸۴        | ۰/۰۰۳۲           |
| HC               | ۰/۰۹            | ۱/۶۹۹۰        | ۰/۰۹۰۵           |
| GCF              | -۰/۰۰۵          | ۲/۲۰۸۲        | ۰/۰۰۱۵           |
| INF              | -۰/۰۰۰۱۶        | -۲/۰۵۵۷       | ۰/۰۴۰۸           |

#### مأخذ: یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج جدول فوق، نحوه تأثیرگذاری متغیرها در دو رژیم بدین صورت است که شاخص حکمرانی خوب در هر دو رژیم تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد که البته با گذار از حد آستانه‌ای یا ورود به رژیم دوم یا بالاتر از میانگین، شدت اثرگذاری آن افزایش می‌یابد. انتظار می‌رود در سطوح بالای حکمرانی (سطوح پایین فساد و مقررات زائد و محدودیت‌های سیاسی و سطوح بالای ثبات سیاسی و حاکمیت قانون و اثربخشی دولت) که کیفیت نهادها نیز در سطح بالایی است، تمامی مؤلفه‌های حکمرانی خوب باعث جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی گردیده و موجب تسریع در رشد اقتصادی گردند.

ضریب تأثیرگذاری مخارج تحصیل در هر دو رژیم مثبت می‌باشد. در این خصوص می‌توان بیان کرد زمانی که حکمرانی و کیفیت نهادها پایین است، در این گروه کشورها سرمایه‌گذاری‌های لازم در نیروی انسانی صورت نمی‌گیرد. این در حالی است که حکمرانی خوب باعث تخصیص بخش قابل

## جدول ۸. نتایج آزمون درونزایی دوربین-وو-هاسمن

| نام متغیر | آماره آزمون سارگان (J-State) | p-value | نتیجه           |
|-----------|------------------------------|---------|-----------------|
| GGDP      | ۰/۹۶                         | ۰/۷۳    | عدم رد فرضیه H0 |
| GGI       | ۹/۵۸                         | ۰/۰۰۰   | رد فرضیه H0     |

## مأخذ: محاسبات تحقیق

در جدول فوق درون زایی دو متغیر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی در معادله مربوط به شاخص حکمرانی خوب و متغیر حکمرانی خوب در معادله نرخ رشد تولید، آزمون شده است. بر اساس مقدار آماره آزمون سارگان و ارزش احتمال این آماره؛ فرضیه صفر در مورد GGI رد شده اما برای نرخ رشد تولید (GGDP) فرضیه صفر رد نمی‌شود. از این رو حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی تأثیرگذار بوده اما رشد اقتصادی بر حکمرانی خوب اثرگذار نمی‌باشد. در بخش پایانی هر یک از شش مؤلفه شفافیت و پاسخ‌گویی (tr)، ثبات سیاسی و عدم خشونت (ps)، اثربخشی دولت (ge)، کیفیت تنظیم مقررات (trq)، تأمین قضایی (jp) و کنترل فساد (cc) به جای شاخص کلی حکمرانی خوب در الگو لحاظ شده که نتایج برآورد در جدول (۹) ارائه شده است.

نتایج برآورد الگو با در نظر گرفتن شش مؤلفه شاخص حکمرانی خوب در ۶ الگو بیانگر این است که شاخص شفافیت و پاسخ‌گویی، اثربخشی دولت و کنترل فساد اداری، دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی می‌باشد، به طوری که با ارتقای یک واحدی شاخص شفافیت و پاسخ‌گویی، اثربخشی دولت و کنترل فساد اداری و ثابت ماندن اثر سایر متغیرهای توضیحی به ترتیب رشد تولید به میزان ۰/۱۴، ۰/۰۷ و ۰/۲ واحد (درصد) افزایش یافته در حالیکه سه مؤلفه ثبات سیاسی و عدم خشونت، کیفیت تنظیم مقررات و تأمین قضایی، تأثیر معنی‌داری بر رشد تولید ندارند. بنابراین با توجه به عدم تأثیر معنی‌دار این سه مؤلفه بر رشد اقتصادی نمی‌توان اثر آن‌ها را تفسیر نمود. از سوی دیگر سایر متغیرهای توضیحی نظیر سرمایه انسانی، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی، درجه بازبودن اقتصادی و نرخ تورم دارای علامت‌های انتظاری مثبت و منفی می‌باشند. بنابراین با مقایسه ۶ الگوی برآورد شده با الگو مربوط به تأثیر شاخص کلی حکمرانی خوب می‌توان نتیجه‌گیری نمود اثر سه مؤلفه شفافیت و پاسخ‌گویی، اثربخشی دولت و کنترل فساد اداری بر رشد تولید معنی‌دار و سه مؤلفه دیگر دارای تأثیر معنی‌دار نمی‌باشند.

الگوی برآورد شده در جدول زیر بیان شده است:

## جدول ۶. نتایج معیارهای اطلاعاتی برای الگوی تصریح شده

| مقدار آماره اطلاعاتی | نام معیار                |
|----------------------|--------------------------|
| -۳/۴۷۲۷              | AIC                      |
| ۰/۹۷                 | R <sup>2</sup>           |
| ۰/۹۶                 | R <sup>2</sup> تعدیل شده |

## مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که مقدار آماره آکائیک برابر با ۳/۴۷- و مقدار ضریب تعیین برابر با ۰/۹۷ می‌باشد که دلالت بر پایین بودن میزان خطای الگوی برآورد شده و بالا بودن قدرت برازش الگو دارد. پس از برآورد الگوی تحقیق، لازم است آزمون‌های تشخیص الگو در خصوص بررسی خودهمبستگی بین جملات اخلاص، ناهمسانی واریانس و مناسب بودن تصریح الگو و عدم نیاز به تابع انتقال دیگر انجام شود که نتایج به صورت جدول (۷) می‌باشد:

## جدول ۷. نتایج آزمون‌های تشخیص جملات اخلاص

| نام آزمون                         | مقدار آماره آزمون | ارزش احتمال |
|-----------------------------------|-------------------|-------------|
| چارک-برا (نرمال بودن جملات اخلاص) | ۰/۴۹              | ۰/۷۳        |
| ضریب لاگرانژ (ناهمسانی واریانس)   | ۰/۸۹              | ۰/۶۲        |
| فیشر (خودهمبستگی)                 | ۱/۴۶              | ۰/۲۱        |
| ثبات و پایداری پارامترها          | ۰/۶۳              | ۰/۳۲        |
| عدم نیاز به تابع انتقال دیگر      | ۰/۰۶              | ۰/۸۷        |

## مأخذ: محاسبات تحقیق

نتایج جدول (۷) نشان می‌دهد الگوی تصریح شده دارای خودهمبستگی، ناهمسانی واریانس نبوده و توزیع جملات اخلاص نرمال می‌باشد. همچنین ثبات و پایداری پارامترهای برآورد شده در طول زمان مورد تأیید قرار گرفته و الگوی برآورد شده به تابع انتقال دیگری نیاز ندارد. بنابراین به صورت کلی الگوی برآورد شده از جهت آزمون‌های تشخیص جملات اخلاص مناسب می‌باشد. در ادامه جهت بررسی درون‌زایی بین متغیرهای شاخص حکمرانی خوب و رشد اقتصادی از آزمون دوربین-وو و هاسمن<sup>۱</sup> استفاده شده است. فرضیه صفر این آزمون برون‌زایی متغیر مورد نظر است. نتایج این آزمون در جدول (۸) گزارش شده است.

جدول ۹. نتایج برآورد الگو برای هر یک از شش مؤلفه شاخص حکمرانی خوب

| متغیرهای توضیحی و عرض از مبدأ | ضرایب و ارزش احتمال در الگو اول (tr) | ضرایب و ارزش احتمال الگو دوم (ps) | ضرایب و ارزش احتمال الگو سوم (ge) | ضرایب و ارزش احتمال الگو چهارم (rq) | ضرایب و ارزش احتمال الگو پنجم (jp) | ضرایب و ارزش احتمال الگو ششم (cc) |
|-------------------------------|--------------------------------------|-----------------------------------|-----------------------------------|-------------------------------------|------------------------------------|-----------------------------------|
| c                             | ۰/۱۲<br>(۰/۳)                        | ۰/۳۹<br>(۰/۹۴)                    | ۰/۴۵<br>(۰/۰۲)                    | ۱/۳<br>(۰/۸۵)                       | ۰/۷۹<br>(۰/۲۹)                     | ۱/۳۲<br>(۰/۶۲)                    |
| OPEN                          | ۰/۰۹<br>(۰/۰۰۰)                      | ۰/۰۶<br>(۰/۰۰۰)                   | ۰/۰۲<br>(۰/۰۱)                    | ۰/۰۰۸<br>(۰/۰۳)                     | ۰/۱۴<br>(۰/۰۰۲)                    | ۰/۰۰۵<br>(۰/۰۴)                   |
| HC                            | ۰/۲۹<br>(۰/۰۰۰)                      | ۰/۳۲<br>(۰/۰۰۲)                   | ۰/۴۵<br>(۰/۰۲)                    | ۰/۵۳<br>(۰/۰۳)                      | ۰/۲۷<br>(۰/۰۰۳)                    | ۰/۴۸<br>(۰/۰۱)                    |
| GCF                           | ۰/۰۳<br>(۰/۰۲)                       | ۰/۰۵<br>(۰/۰۰۰)                   | ۰/۰۹<br>(۰/۰۱)                    | ۰/۰۲<br>(۰/۰۴)                      | ۰/۰۰۵<br>(۰/۰۰۰)                   | ۰/۰۰۷<br>(۰/۰۰۰)                  |
| INF                           | -۰/۰۶<br>(۰/۰۶)                      | -۰/۰۳<br>(۰/۰۰۳)                  | -۰/۱۹<br>(۰/۰۲)                   | -۰/۲۴<br>(۰/۰۰۰)                    | -۰/۳۲<br>(۰/۰۰۵)                   | -۰/۳۹<br>(۰/۰۰۰)                  |
| Tr, ps, ge, rq و cc           | ۰/۱۴<br>(۰/۰۳)                       | ۰/۱۸<br>(۰/۲۹)                    | ۰/۰۷<br>(۰/۰۰۰)                   | ۰/۶۱<br>(۰/۱۵)                      | ۰/۳۵<br>(۰/۳۵)                     | ۰/۲<br>(۰/۰۰۲)                    |

مأخذ: محاسبات تحقیق

## ۵- بحث و نتیجه گیری

### ۵-۱- نتیجه گیری

این مطالعه با هدف بررسی تأثیر غیرخطی حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی کشورهای با سطح درآمد سرانه متوسط و بالاتر طی دوره زمانی ۲۰۱۸-۱۹۹۶ انجام شده است. برای این منظور از الگوی رگرسیون انتقال ملایم تابلویی (PSTR) که توسط فوک و همکاران (۲۰۰۴)، گونزالز و همکاران (۲۰۰۵) و کولیتاز و هارولین (۲۰۰۶) ارائه و گسترش یافته، استفاده شده است. الگوی PSTR استفاده شده در این مطالعه به عنوان برجسته‌ترین الگوی تغییر رژیمی نه تنها یک شکل تابعی خاص و محدود کننده را بر رابطه میان متغیرها تحمیل نمی‌کند، بلکه رابطه غیرخطی محتمل میان متغیرها را با استفاده از تابع انتقال و بر مبنای مشاهدات متغیر آستانه‌ای به شیوه‌ای پیوسته الگوسازی می‌کند. همچنین در این الگو مشکل ناهمگنی در پارامترهای تخمینی با امکان تغییر ضرایب برای کشورهای مختلف و حتی در طول زمان، حل می‌شود.

نتایج تخمینی بر وجود رابطه غیرخطی میان حکمرانی خوب و رشد اقتصادی دلالت می‌کنند و لحاظ نمودن یک تابع انتقال با یک حد آستانه‌ای نیز جهت تصریح کامل رفتارهای غیرخطی کفایت می‌کند. نتایج برآورد الگوی PSTR فوق نشان می‌دهد زمانی که شاخص حکمرانی خوب از ۰/۹۴- بیشتر می‌شود، تغییر رژیم اتفاق خواهد افتاد. پارامتر شیب نیز که بیانگر سرعت تعدیل از یک رژیم به رژیم دیگر می‌باشد،

معادل ۱/۷۴ برآورد شده است. نتایج مربوط به برآورد ضرایب متغیرهای لحاظ شده در الگو نیز نشان می‌دهند که حکمرانی خوب در هر دو رژیم تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد که با عبور از حد آستانه‌ای و وارد شدن به رژیم دوم، شدت اثرگذاری آن افزایش می‌یابد. وجود رابطه مثبت بین حکمرانی خوب و رشد اقتصادی در مطالعات کمیجانی و سلاطین (۱۳۸۹: ۲۷)، ندیری و محمدی (۱۳۹۰: ۱) و ژانگ و همکاران (۲۰۱۰: ۱) و زیبر و خان (۲۰۱۴: ۲۵۸) نیز به تأیید رسیده است. حال آنکه مطالعه اورنسل (۲۰۱۰: ۵۰۱) در رابطه با تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی به این نتیجه رسیده است که از بین شاخص‌های حکمرانی خوب، شاخص‌های کنترل فساد، سهم بانک‌های دولتی از دارایی‌های بانک مرکزی (به‌عنوان شاخص میزان دخالت دولت در اقتصاد) و مخارج دولت (به‌عنوان شاخص اندازه دولت) تأثیر منفی و شاخص کنترل ریسک سلب مالکیت (یکی از مؤلفه‌های شاخص حاکمیت قانون) تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارند. همچنین سایر نتایج مطالعه حاضر حاکی از آن است که اثر مثبت متغیرهای مخارج تحصیل، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص و درجه باز بودن اقتصاد نیز با ورود به رژیم دوم شدت یافته است و با اینکه نرخ تورم در هر دو رژیم تأثیر منفی بر رشد اقتصادی دارد، اما شدت تأثیرگذاری آن در رژیم دوم کاهش یافته است. این نتایج نیز با یافته‌های مطالعات اورنسل (همان: ۵۰۱) و ماتالاه (۲۰۲۰: ۱) مبنی بر وجود رابطه مثبت بین مخارج تحصیل و شاخص باز بودن اقتصاد با رشد اقتصادی و وجود رابطه منفی بین نرخ تورم

با رشد اقتصادی، همخوانی دارد.

## ۵-۲- پیشنهادهای سیاستی

از آنجایی که نتایج مطالعات تجربی انجام گرفته در این زمینه رابطه مثبت بین حکمرانی خوب و رشد و توسعه اقتصادی را مورد تأیید قرار می‌دهد و نتیجه مطالعه حاضر نیز حاکی از تأثیرگذاری بیشتر این شاخص در سطوح بالای کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی می‌باشد، برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار، بایستی توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اقتصادی معطوف به ایجاد نهادهای کارآمد و باکیفیت و افزایش سطح مؤلفه‌های حکمرانی خوب در این کشورها گردد. برای این منظور، لازم است اقدامات زیر در اولویت برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در کشورهای با سطح درآمد سرانه متوسط و بالاتر قرار گیرند:

با عنایت به تأثیرگذاری شاخص حکمرانی خوب در هر دو رژیم و اثرگذاری بیشتر آن در بخش غیرخطی لازم است سیاست‌گذاران اقتصادی کشورهای با درآمد سرانه متوسط و بالا ضمن توجه به شاخص حکمرانی خوب از طریق عدم تغییر سیاست‌های اقتصادی در مواقع تغییر رهبران سیاسی، اتخاذ سیاست‌های شفاف و کارا که زمینه را برای رقابتی شدن هر چه بیشتر اقتصاد فراهم می‌کند، به ارتقای موقعیت تولید و رشد آن کمک نمایند. از سوی دیگر با توجه به تأثیر مثبت و معنی‌دار سه شاخص شفافیت و پاسخ‌گویی، اثربخشی دولت و کنترل فساد بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه با درآمد سرانه متوسط به بالا، پیشنهاد می‌شود با ایجاد ساختار شفاف و

## منابع

- امیری، بهزاد و شاه‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۴). "تأثیر نهادها بر توسعه کشورهای اسلامی عضو گروه دی‌هشت". *فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد*، دوره پنجم، شماره ۳، ۱۶۴-۱۳۷.
- حیدری، حسن؛ علی‌نژاد، رقیه؛ محسنی زنوزی، سیدجمال‌الدین و جهان‌گیرزاده، جواد (۱۳۹۳). "بررسی رابطه بین فساد اداری و رشد اقتصادی: مشاهداتی از کشورهای گروه دی‌هشت". *فصلنامه پژوهش‌نامه اقتصادی*، دوره چهاردهم، شماره ۴، ۱۸۳-۱۵۷.
- شاکری، محبوبه؛ جعفری صمیمی، احمد و کریمی موغاری، زهرا (۱۳۹۴). "ارتباط بین متغیرهای نهادی و رشد اقتصادی: معرفی شاخص نهادی جدید برای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا". *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، دوره ششم، شماره ۲۱، ۱۰۶-۹۴.
- امیری، بهزاد و شقاقی شهری، وحید (۱۳۹۰). "حکمرانی خوب، فساد و رشد اقتصادی". *دو ماهنامه بررسی‌های بازرگانی*، دوره نهم، شماره ۴۸، ۸۱-۶۹.
- جلیلی، زهرا و سلمانی‌بیشک، محمدرضا (۱۳۹۷). "مطالعه رابطه و فوور منابع حکمرانی رشد اقتصادی با تأکید بر

پاسخ‌گو و نیز ارتقای اثربخشی دولت و کنترل فساد اداری با اعمال سیاست‌های قانونی و پیشگیرانه در جهت کاهش آن، به افزایش تولید و رشد اقتصادی کمک نمایند.

با توجه به تأثیرگذاری مثبت و معنی‌دار سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی پیشنهاد می‌شود از طریق اتخاذ سیاست‌های مناسب و هماهنگ سمت عرضه و تقاضای کلان اقتصادی، ارتقای سهم مخارج تحصیل از درآمد ملی و تقویت سرمایه و ذخایر انسانی به منظور دستیابی به رشد اقتصادی مستمر و باثبات صورت گیرد

از آنجا که نرخ تورم اثر منفی و معنی‌دار بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه داشته است، پیشنهاد می‌شود از طریق کنترل حجم نقدینگی و سطح عمومی قیمت‌ها و هدایت آن به بازارهای مولد، ظرفیت تولید، درآمد و در نتیجه رشد اقتصادی افزایش یابد.

از آنجا که تشکیل سرمایه ثابت ناخالص اثر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه با درآمد سرانه متوسط به بالا داشته است، پیشنهاد می‌شود با افزایش سهم سرمایه‌گذاری به ویژه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از تولید ناخالص داخلی، زمینه گسترش فعالیت‌ها و ظرفیت‌های تولیدی و در نتیجه رشد تولید فراهم شود.

با توجه به تأثیرگذاری درجه باز بودن اقتصاد بر رشد اقتصادی، پیشنهاد می‌شود از طریق گسترش حجم تجارت و به ویژه صادرات و استفاده از واردات کالاهای سرمایه‌ای در امر تولید زمینه ارتقا و گسترش ظرفیت‌های تولیدی و رشد اقتصادی مهیا شود.



- هشتم، شماره ۳۰، ۱۴۵-۱۰۹.
- ملکی حسنونند، بهزاد؛ جعفری، محمد؛ فتاحی، شهرام و غفاری، هادی (۱۳۹۸). "سازوکار اثرگذاری هم‌زمان حکمرانی خوب و مخارج دولتی بر رشد اقتصادی". *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، دوره نهم، شماره ۳۴، ۱۱۴-۹۹.
- میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳). "حکمرانی خوب؛ بنیان توسعه". تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ندیری، محمد و محمدی، تیمور (۱۳۹۰). "بررسی تأثیر ساختارهای نهادی بر رشد اقتصادی با روش GMM داده‌های تابلویی پویا". *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، سال پنجم، شماره ۳، ۲۴-۱.
- نصیرخانی، پرویز (۱۳۹۳). "تأثیر حکمرانی خوب به عنوان شاخص اخلاقی بر رشد اقتصادی". *فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، شماره ۷، ۱۰۴-۸۵.
- فاتیحی دابانلو، محمدحسین؛ هژبرکیانی، کامبیز؛ معمارنژاد، عباس و مهرآرا، محسن (۱۳۹۶). "نهادها و توسعه در کشورهای خاورمیانه". *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، شماره یازدهم، شماره ۳۹، ۱۱۸-۹۹.
- کریمی، محمدشریف؛ حیدریان، مریم و دورباش، معصومه (۱۳۹۶). "بررسی ارتباط و تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در ایران؛ با رویکرد تصحیح خطای برداری". *فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، دوره ششم، شماره ۱، ۱۵۵-۱۲۷.
- کمبجانی، اکبر و سلاطین، پروانه (۱۳۸۷). "بررسی تأثیر حکمرانی بر رشد اقتصادی در ایران و کشورهای منتخب همسایه (ترکیه و پاکستان)". *فصلنامه مدیریت*، سال هفتم، شماره ۲۰، ۴۱-۲۷.
- محمدی، حسین؛ محمدی، مرتضی و تیرگری، محمد (۱۳۹۶). "بررسی عوامل مؤثر بر رشد تولید سرانه در گروه‌های مختلف درآمدی در جهان با تأکید بر شاخص‌های حکمرانی". *فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، دوره Growth". *International Journal of Business and Management*, 7(24), 29-34.
- Aisen, A. & Veiga, F. J. (2013). "How Does Political Instability Affect Economic Growth?". *Journal of Political Economy*, 29, 151-167.
- Ashraf, Q.H., Lester, A. & Weil, D. N. (2008). "When Does Improving Health Raise GDP?". *NBER, Working Paper*, No. 14449.
- Baxamusa, M. & Jalal, A. (2014). "The Effects of Corruption on Capital Structure: When Does it Matter?". *Journal of Developing Areas*, 48(1), 315-335.
- Bloom, D. E. & Canning, D. (2005). "Health and Economic Growth: Reconciling the Micro and Macro Evidence". *CDDRL, Working Paper*, Online at: <http://sddrl.stanford.edu/>
- Bloom, D. E., Canning, D. & Sevilla, J. (2004). "The Effect of Health on Economic Growth: A Production Function Approach". *Journal of World Development*, 32(1), 1-13.
- Boikos, S. (2013). "Corruption, Public
- Abdelbary, I. & Benhin, J. (2019). "Governance, Capital and Economic Growth in the Arab Region". *The Quarterly Review of Economics and Finance*, Elsevier, 73(1), 184-191.
- Acemoglu, D., Gallego, F. A. & Robinson, J. A. (2014). "Institution, Human Capital and Development". *Instituto de Economia. Pontificia Universidad Católica de Chile, Working Paper*, No. 449.
- Acemoglu, D., Johnson, S. & Robinson, J. A. (2001). "The Colonial Origins of Comparative Development: an Empirical Investigation". *American Economic Review*, 91(5), 1369-1401.
- Aderemi, T. (2014). "Does Human Capital Investment Matter in Economic Development? Evidence from a Nigerian Micro-Data". *Journal of Education Economics and Development*, 5(2), 127-139.
- Aghion, Ph. & Durlauf, S. (2005). "Handbook of Economic Growth". *Elsevier Press*.
- Ahmad, H., Arif, A. & Mohyuddin, S. M. (2012). "Do Economic, Institutional, or Political Variables Explain Economic

- Expenditure, and Human Capital Accumulation". *The Rimini Centre for Economic Analysis, Working Paper*, No. 17\_13.
- Borrmann, A., Busse, M. & Neuhaus, S. (2006). "Institutional Quality and the Gains From Trade". *Journal of Kyklos*, 59(3), 345-368.
- Burnside, C. & Dollar, D. (1997). "Aid, Policies, and Growth". *World Bank Policy Research Working Paper Series*, No. 1777, World Bank: Washington, DC.
- Campos, N. F. & Karanasos, M. (2007). "Growth, Volatility & political Instability: Nonlinear Time Series Evidence for Argentina 1896-2000". William Davidson Institute, *University of Michigan, Working Paper*, No. 891.
- Campos, N. F. & Nungent, J. B. (2000). "Who is Afraid of Political Instability?". *Journal of Development Economics*, 67, 157-172.
- Colletaz, G. & Hurlin, C. (2006). "Threshold Effects of the Public Capital Productivity: An International Panel Smooth Transition Approach". *Working Paper*, LEO, University of Orleans.
- D'Agostino, G., Dunne, J. & Pieroni, L. (2012). "Government Spending, Corruption and Economic Growth". University of Cape Town. *Southern Africa Labor and Development Research Unit (SALDRU), Working Paper*, No. 74.
- Ehrlich, I. & Lui, F.T. (1999). "Bureaucratic Corruption and Endogenous Economic Growth". *Journal of Political Economy*, 107, 270-293.
- Engerman, S. L. & Sokoloff, K. L. (1997). "Factor Endowment, Institution and Differential Growth Paths Among new World Economics". *Stanford University Press*, Stanford CA.
- Engerman, S. L. & Sokoloff, K. L. (2011). "Economic Development in the Americas Since 1500: Endowments and Institutions". *Cambridge University Press*, New York
- Evrensel, A. (2010). "Corruption, Growth, and Growth Volatility". *International Review of Economics and Finance*, 19, 501-514.
- Feng, Y. (2003). "Democracy, Governance and Economic Performance: Theory and Evidence". *Cambridge: MA, MIT press*.
- Fleisher, B., Li, H. & Zhao, M. Q. (2016). "Human Capital, Economic Growth, and Regional Inequality in China". *Journal of Development Economics*, 92(2), 215-231.
- Fok, D., Van Dijk, D. & Franses, P. (2004). "A Multi-Level Panel STAR Model for US Manufacturing Sectors". *Working Paper, University of Rotterdam*.
- Frey, B. S. (2003). "Direct Democracy for Transition Countries". *IEW, Working Paper*, No.165.
- Gennaioli, N., La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F. & Schleifer, A. (2011). "Human Capital and Regional Development". *Quarterly Journal of Economics*, 128(1), 105-164.
- Gonzalez, A., Terasvirta, T. & Van Dijk, D. (2005). "Panel Smooth Transition Regression Models". *SEE/EFI Working Paper Series in Economics and Finance*, No. 604.
- Graham, J., Amos, B. & Plumptre, T. (2003). "Principles for Good Governance in the 21st Century". *Institute on Governance (IOG), Policy Brief No.15*.
- Gurgul, H. & Lach, L. (2012). "Political Instability and Economic Growth: Evidence from two Decades of Transition in CEE". *MPRA, Working Paper*, No. 37792.
- Harris, R. D. F. & Tzavalis, E. (1999). "Inference for Unit Roots in Dynamic Panels where the Time Dimension is Fixed". *Journal of Econometrics*, 91, 201-226.
- Hisamoglu, E. (2018). "EU Membership, Institutions and Growth: The Case of Turkey". *Economic Modelling*, 38(1), 211-219.
- Huang, C. J. & Ho, Y. H. (2017). "Governance and Economic Growth in Asia, North American". *Journal of*

- Economics and Finance*, 39, 260-272.
- Jude, E. (2010). "Financial Development and Growth: A Panel Smooth Regression Approach". *Journal of Economic Development*, 35, 15-33.
- Kaufmann, D., Kraay, A. & Mastruzzi, M. (2009). "Governance Matters VIII: Aggregate and Individual Governance Indicators 1996-2008". *Policy Research of World Bank, Working Paper*, No. 4978.
- Knack, S. (2003). "Democracy, Governance and Growth". *Ann Arbor: The university of Michigan Press*.
- Kumssa, A. & Mbeche, I. M. (2004). "The Role of Institutions in the Development Process of African Countries". *International Journal of Social Economics*, 31(9), 840-854.
- Laporta, R., Lopez-de-Salinas, F. & Schleifer, A. (2008). "The Economic Consequences of Legal Origins". *Journal of Economic Literature*, 46(2), 285-332.
- Lee, H. Q. (2008). "The Theories of Trade, FDI and Technology Transfer: a Survey". *Development and Policies Research Center (DEPOCEN), Vietnam, Working Paper* No. 13.
- Matallah, S. (2020). "Economic Diversification in MENA Oil Exporters: Understanding the Role of Governance". *Resources Policy*, 66, 1-11.
- Najeh, B. & Ismahen, Y. (2019). "Foreign Direct Investment and Economic Growth: The Role of the Governance". *Economics Bulletin*, 39(4), 2711-2725.
- Omri, A. & Mabrouk, N. B. (2020). "Good Governance for Sustainable Development Goals: Getting ahead of the Pack or Falling Behind?". *Environmental Impact Assessment Review*, 83, 1-8.
- Przeworski, A., Alvarez, M., Cheibub, J. A. & Limongi, F. (2008). "Democracy and Development: Political Institutions and Well-Being in the World 1950-1990". *Cambridge University Press*, New York.
- Rudra, P. P. & Sanyal, G. S. (2011). "Good Governance and Human Development: Evidence from Indian States". *Journal of Social and Development Sciences*, 1(1), 1-8.
- Sawyer, W.C. (2010). "Institutional Quality and Economic Growth in Latin America". *Global Economy Journal*, 10(4), 1-11.
- Siddiqui, D. A. & Ahmed, Q. M. (2013). "The Effect of Institutions on Economic Growth: A Global Analysis Based on GMM Dynamic Panel Estimation". *Structural Change and Economic Dynamics*, 24, 18-33.
- Silberberger, M. (2015). "Regulation, Trade and Economic Growth". *Center for European Governance and Economic Development. Discussion Paper*, No. 255.
- Singh, A., Jain-Chandra, S. & Mohommad, A. (2012). "Inclusive Growth, Institutions, and the Underground Economy". *IMF Working Paper*, Asia and Pacific Department. 1-13.
- Srithongkul, P. & Pastpipatkul, P. (2013). "Impacts of Economic Variables and the Corruption Perception Index on Human Development". *Journal of the Empirical Econometrics and Quantitative Economics Letters*, 2(1), 71-78.
- Tridico, P. (2013). "The Stage of Development Among Former Communist Economies: Social Capital, the Middle Class and Democracy". *Journal of Socio-Economics*, 44(c), 47-58.
- United Nations Development Program, (1997). "Governance for Sustainable Human Development - A UNDP Policy Document". *UNDP: New York, NY*.
- Vehovar, U. & Jager, M. (2003). "Corruption, Good Governance and Economic growth: the Case of Slovenia". *Paper presented at the conference "Institutions in Transition"*. *Kranjska Gora, Slovenia*, 1-14.
- Zak, P. (2002). "Institutions, Property Rights and Growth". *Université Catholique De Louvain, Institut de Recherches Economiques et Sociales. Discussion Paper*

No. 2002014.

Zhuang, J., Dios, E. & Lagman-Martin, A. (2010). "Governance and Institutional Quality and the Links with Economic Growth and Income Inequality: With Special Reference to Developing Asia". *ADB Economics Working Paper Series*,

No. 193, 1-54.

Zubair, S. S. & Khan, M. A. (2014). "Good Governance: Pakistan's Economic Growth and Worldwide Governance Indicators". *Pakistan Journal of Commerce and Social Sciences*, 8(1), 258-271.

## پیوست

جدول ۱. لیست کشورهای با درآمد سرانه متوسط و بالا (Upper Middle Income Countries)

| نام کشور       | ردیف | نام کشور         | ردیف |
|----------------|------|------------------|------|
| لیبی           | ۳۰   | آلبانی           | ۱    |
| کاستاریکا      | ۳۱   | الجزایر          | ۲    |
| مالزی          | ۳۲   | ساموا            | ۳    |
| کوبا           | ۳۳   | آرژانتین         | ۴    |
| مالدیو         | ۳۴   | ارمنستان         | ۵    |
| جمهوری دومینیک | ۳۵   | جمهوری آذربایجان | ۶    |
| ایسلند         | ۳۶   | بلاروس           | ۷    |
| موریتوس        | ۳۷   | بلیز             | ۸    |
| مکزیک          | ۳۸   | بوسنی            | ۹    |
| مونتینیگرو     | ۳۹   | بوتسوانا         | ۱۰   |
| نامیبیا        | ۴۰   | آلمان            | ۱۱   |
| ناپروبی        | ۴۱   | برزیل            | ۱۲   |
| مقدونیه        | ۴۲   | بلغارستان        | ۱۳   |
| پاراگوئه       | ۴۳   | چین              | ۱۴   |
| پرو            | ۴۴   | کلمبیا           | ۱۵   |
| رومانی         | ۴۵   | اکوادور          | ۱۶   |
| روسیه          | ۴۶   | گینه             | ۱۷   |
| آفریقای جنوبی  | ۴۷   | فیجی             | ۱۸   |
| سریلانکا       | ۴۸   | گابن             | ۱۹   |
| لوسیا          | ۴۹   | جورجیا           | ۲۰   |
| گرینادینز      | ۵۰   | گرانادا          | ۲۱   |
| سورینامی       | ۵۱   | گواتمالا         | ۲۲   |
| تایلند         | ۵۲   | ایران            | ۲۳   |
| تونگا          | ۵۳   | عراق             | ۲۴   |
| ترکیه          | ۵۴   | جامائیکا         | ۲۵   |
| ترکمنستان      | ۵۵   | اردن             | ۲۶   |
| توالو          | ۵۶   | قزاقستان         | ۲۷   |
| ونزوئلا        | ۵۷   | کوزوو            | ۲۸   |
|                |      | لبنان            | ۲۹   |

مأخذ: گزارش بانک جهانی (۲۰۱۹)